به نام پروردگار

بخشنده مهربان



**دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن**

**دانشکده زبان و ادبیات فارسی**

**پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی**

**عنوان پژوهش**

**بررسی دیدگاه های اجتماعی – سیاسی شعر قیصر امین پور**

پژوهش

**علیرضا عالی مهر**

استاد راهنما

**سرکار خانم شهین اوجاق علیزاده**

استاد مشاور

**سرکار خانم سپیده سپهری**

بهمن 1392

تأييديه اعضاي هيأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پايان نامه كارشناسي ارشد

اعضاي هيأت داوران نسخه نهايي پايان­نامه آقاي علی رضا عالی مهر تحت عنوان: بررسی

دیدگاه های سیاسی اجتماعی شعر قیصر امین پور

را از نظر شكل و محتوي بررسي نموده، پذيرش آن را براي دريافت درجه كارشناسي­ارشد پيشنهاد مي­كنند.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| امضا | رتبه علمي | نام و نام خانوادگي | **ا**عضاي هيأت داوران | **رديف** |
|  |  |  | **استاد راهنما** | 1 |
|  |  |  | **استاد مشاور** | 2 |
|  |  |  | **استاد داور(ميهمان)** | 3 |
|  |  |  | **استاد داور(داخلي)** | 4 |
|  |  |  | **نماينده تحصيلات تكميلي** | 5 |

تقدیم به پدر و مادر بزرگوارم

و برادر و خواهرم

که در تمامی مراحل زندگی پشتیبانم بوده اند

**با سپاس فراوان از آموزگارانم**

**که در دوره ی دانشجویی از ایشان بسیار آموختم که:**

**من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق**

فهرست

چکیده 1

فصل اول 4

1. مقدمه 5
2. بیان مسئله پژوهش 6
3. ضرورت پژوهش 6
4. اهداف پژوهش 6
5. پرسش های پژوهش 7
6. فرضیه پژوهش 7
7. روش اجرایی پژوهش 7

فصل دوم 8

1. نگاهي گذرا به زندگي و آثارقیصر امین پور 9

1-1 اشعار شاعران در سوگ قیصر 11

1. عنوان های شعری قیصر امین پور 12
2. زبان در شعر قیصر امین پور 13
3. سَبک و درون مایه ها 16
4. شکل و قالب اشعار قیصر 21

فصل سوم 25

1. دیدگاه اجتماعی ـ سیاسی در ادبیات فارسی 26

1-1 دیدگاه های اجتماعی ـ سیاسی در ادبیات عصر مشروطه 26

2-1 دیدگاه های اجتماعی ـ سیاسی در ادبیات معاصر 28

1. تعهد در ادبیات فارسی 30
2. قیصر شاعر متعهد 32

فصل چهارم 33

1. انقلاب اسلامی 34
2. رهبران ، شخصیت های سیاسی و مبارز در شعر قیصر امین پور 36

1-2 آیت ا... خمینی در اشعار قیصر 36

2-2 دکتر علی شریعتی 39

3-2 آیت ا... طالقانی 40

1. وحدت در اشعار قیصر امین پور 41
2. جنبش های آزادی بخش 42
3. شعر دفاع مقدس 42

1-5 قالب شعر دفاع مقدس 43

1. دفاع مقدس در اشعار قیصر امین پور 43

1-6 تقسیم بندی اشعار دفاع مقدس قیصر امین پور 44

2-6 موضوعات پرداخته شده در شعر دفاع مقدس قیصر امین پور 44

3-6 تشویق رزمندگان و برانگیختن روح حماسی در آن ها 44

4-6 شهید و شهادت 47

5-6 مقام و الای شهید 47

6-6 حیات جاودانه شهید 51

7-6 جوانان و نوجوانان شهید 53

8-6 انتقاد از منتقدان شهادت 55

9-6 شهادت طلبی 58

10-6 خانواده شهیدان 59

11-6 جانبازان 61

12-6 حمله دشمن 62

1. اشعار پس از جنگ 64
2. اعتراض و انتقاد در اشعار قصیر امین پور 66
3. من های شعری قیصر امین پور 69
4. مفهوم آزادی 76

1-10 آزادی در ادبیات 77

2-10 آزادی در اشعار قیصر امین پور 77

3-10 آزادی در مفهوم رهایی از دشمن 78

4-10 آزادی به مفهوم رهایی از تعلقات و خواسته های نفسانی 79

5-10 آزادی های اجتماعی 80

1. اشعار آیینی و مذهبی 83
2. انتظار 85

1-12 انتظار از دیدگاه شیعه 85

* 1. انتظار از دیدگاه ادیان و ملل مختلف جهان 85
  2. انتظار در قرآن و احادیث 86

4-12 انتظار در شعر قبل و بعد از انقلاب 88

* 1. انتظار در اشعار قیصر امین پور 89

1-5-12 عصر ظهور 89

2-5-12 عصر غیبت 92

6-12 سیمای منتظَر و منتظِر در اشعار قیصر امین پور 95

1. تقابل شهر رو روستا در اشعار قیصر امین پور 99
2. سیما و تصویر روستا در اشعار قیصر امین پور 103
3. مرگ اندیشی در اشعار قیصر 104
4. یادمانه های شعر قیصر 106

1-16 یادمانه های کودکی 107

2-16 دلتنگی و حسرت عارفانه ناشی از خاطرات ایام جنگ 108

1. کودک 109
   1. مظلومیت کودکان 110

2-17 دلتنگی های کودک 112

1. (( درد)) در اشعار قیصر امین پور 115

فصل پنجم 120

نتیجه گیری 121

منابع 122

**چکیده:**

این واقعیت که نویسنده و هنرمند در محیط اجتماعی عصر خویش زندگی می کند ، شاعر متعهد امروز را بر می انگیزد تا با ابزار شعر عنصر آگاهی را در مخاطب بالا ببرد و او را از واقعیت ها و مسائل سیاسی و اجتماعی پیرامونش آگاه سازد . شاعر متعهد نمی تواند از جامعه خود عبور کند و نسبت به مسائل اجتماعی – سیاسی پیرامون خود بی تفاوت باشد، یک هنرمند متعهد باید در بطن جامعه ی خود حضور داشته باشد و همگام با مردم خود گام بردارد ، از ارزش های جامعه ی خود دفاع کند و در بسط آگاهی و شکوفایی و آزادی جامعه ی خود کمک کند. قیصر امین پور هم به عنوان یک شاعر متعهد معاصر هیچ گاه از این نقش غافل نبوده است . او سعی داشته با تحلیل و نقد مسائل سیاسی- اجتماعی جامعه ی خود به ترویج زندگی آزاد و ایده ال برای هم نوع خود بپردازد.

در بر گرفتن سروده های **قیصر امین پور** بر اندیشه های سیاسی- اجتماعی و نقش آنها در اصلاح و حرکت جامعه به سمت حفظ ارزش های انسانی ، ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش را نشان می دهد.

در این پژوهش که بر پایه ی روش کتاب خانه ای و فیش برداری انجام گرفته است، ابتدا به معرفی قیصر امین پور ، محتوی و مضمون شعرهای او پرداخته شده است و سپس دیدگاه های اجتماعی سیاسی او با ذکر نمونه های شعری استخراج گردیده و بررسی شده است.

در این پایان نامه کوشش می شود اهداف زیر محقق شود.

1. بررسی زندگی، فعالیت ها و آثار قیصر امین پور
2. بررسی جایگاه ادبی قیصر در ادبیات فارسی
3. بررسی و تبین اندیشه های سیاسی و اجتماعی شعر قیصر امین پور
4. بررسی جهانبینی و عواطف و من های شعری قیصر امین پور.

و همچنین در این پژوهش کوشش می شود به پرسش های زیر پاسخ داده شود:

1. سیر تکاملی شعری قیصر چگونه بوده است؟
2. آیا دگرگونی در نوع دیدگا های اجتماعی سیاسی قیصر امین پور بوجود آمده است؟
3. قیصر امین پور تا چه اندازه به آرمان های خود وفادار مانده است؟
4. آرمان های اجتماعی – سیاسی قیصر امین پور چیست؟
5. آیا قیصر امین پور- در جایگاه انتقادی نسبت به انقلاب قرار می گیرد؟

این پژوهش در پنج فصل به انجام رسیده است فصل اول مقدمه. بیان مسئله پژوهش ، اهداف پژوهش، پرسش های پژوهش، فرضیه پژوهش، روش های اجرایی پژوهش و پیشینه پژوهش را در بر می گیرد.

در فصل دوم به زندگی و آثار قیصر امین پور. عنوان های شعری قیصر امین پور، زبان، سبک ، درون مایه ، شکل و قالب اشعار قیصر پرداخته می شود.

در فصل سوم دیدگاه های اجتماعی سیاسی در ادبیات فارسی به ویژه در عصر مشروطه و دوران معاصر ، تعهد در ادبیات فارسی و شعر قیصر بررسی می گردد.

در فصل چهارم به موضوعات اجتماعی و سیاسی پرداخته می شود که در شعر قیصر امین پور بروز و ظهور پیدا کرده است: انقلاب اسلامی ، رهبران و شخصیت های سیاسی و مبارز وحدت در جامعه. جنبش های آزادی بخش، دفاع مقدس و جنگ که خود موضوعات مختلفی را در بر میگیرد، آزادی ، اشعار آیینی ، انتظار، تقابل شهر و روستا، یادمانه ها یا نوستالژی شاعر، من های شعری قیصر ، کودک و دردهای شاعر و جامعه که از مجموعه اشعار او استخراج گردیده و هر کدام بررسی شده است. و در پایان فصل پنجم نتیجه گیری و فهرست منابع و ماخذ را در بر می گیرد .

در فصل چهارم و در بحث انقلاب به شعر انقلاب و مولفه های شعر انقلاب و بروز و ظهور آن در شعر قیصر پرداخته شده است. توجه به شخصیت های سیاسی و مبارز یکی از این مولفه ها است که مورد بررسی قرار گرفته است.

اما موضوع دفاع مقدس که از دیدگاه های برجسته اجتماعی سیاسی شعر قیصر امین پور است در این پژوهش مدنظر بوده در این بخش شعر دفاع مقدس و قالب های آن توضیح داده شده و اشعار دفاع مقدس قیصر به صورت آماری و با جدول بررسی شده است، همچنین موضوعات پرداخته شده در شعر دفاع مقدس قیصر امین پور که شامل تشویق رزمندگان و برانگیختن روح حماسی در آنها، شهادت طلبی، شهید وشهادت، پیام شهید ، حیات جاودانه شهید، انگیزه شهید ، خانواده شهدا و رزمندگان، جوانان و نوجوانان شهید، جانبازان، مقام شهید، شهیدان مفقود الاثر، انتقاد از منتقدان شهادت، صبر ایستادگی مردم و جملات دشمن می شود نیز بررسی شده است.

در بخشی دیگر به اعتراض و انتقاد در اشعار قیصر اعتراض به عناصر نالایق، گلایه ها و انتقادهای بعد از جنگ ، من های شعری قیصر امین پور ، من های اجتماعی و شخصی و آزادی در اشعار او پرداخته شده است. آزادی در مفهوم رهایی از دشمن، آزادی در ممفهوم رهایی از تعلقات و آزادی های اجتماعی.

بخشی دیگر از اشعار قیصر شامل اشعار مذهبی و آیینی اوست که به آنها پرداخته شده است. در میان این اشعار انتظار از بسامد بالای برخوردار است در مبحث انتظار نخست انتظار از دیدگاه شیعه و دیگر ادیان و مفهوم انتظار در قرآن و احادیث و انتظار در اشعار قبل و بعد انقلاب مورد کنکاش قرار می گیرد و سپس انتظار در اشعار قیصر امین پور شامل اشعاری که به عصر ظهور و عصر غیبت امام منتظر همچنین سیمای منتظر و منتظر اشاره دارد پرداخته می شود. تقابل شهر و روستا ، مرگ اندیشی، یادمانه های شعر قیصر ، کودک، دردهای قیصر از دیگر مضامینی است که در این فصل به آنها پرداخته شده است.

بر اساس یافته های این پژوهش می توان گفت که اشعار **قیصر امین پور** گفتار مردم جامعه ی خویش است او به دنبال آرمان شهری است که در ذهن تک تک مردم جامعه او نقش بسته است .جامعه ی آباد و آزاد که تمامی ارزش های انسانی در آن رعایت می شود بر این اساس او را باید شاعر متعهدی دانست که اشعارش روح جامعه او است.

کلمات کلیدی: دیدگاه های سیاسی،اجتماعی – قیصر امین پور – شعر متعهد

فصل اول

1. **مقدمه**

جنبه های هنری و فنی شعر واندیشه ها وتفکرهای شاعر دوبال شعر را تشکیل می دهند و شناخت هر شاعری با مطالعه در سیر افکار ود اندیشه های او میسر می شود.

در میان شاعران معاصر ، شعر قیصر امین پور از نظر در برگیری اندیشه ها و تنوع موضوع و محتوااز اهمیت خاصی برخوردار است.در اشعار او جلوه های گونه های مختلف اندیشه وتفکر را می توان ملاحظه نمود که از بارزترین آنها دیدگاه ها و اندیشه های سیاسی – اجتماعی قیصر امین پور است.

اشعار سیاسی اجتماعی قیصر امین پور نشان دهنده ی دیدگاه های او نسبت به اوضاع و احوال کشور و جامعه است و مشتمل بر انقلاب ، جنگ ومسایل مربوط به آنها است.در فاصله ی سال های پیروزی انقلاب اسلامی تا پاان جنگ ،اشعار قیصر اغلب اندیشه های سیاسی و اجتماعی او را منعکس می کندکه از سال1376 اشعار از نظر محتوای اجتماعی وسیاسی وضوح بیشتری میابند.در این میان از آنجا که جوانه های نبوغ شعری امین پور با وقوع انقلاب و جنگ همراه بوده است در نتیجه زمینه های فکری ومحتوایی شعر انقلاب را از دیدگاه سیاسی واجتماعی در اشعار او می توان جستجو کرد.

امین پور از سال 1357 تا 1367 هم صدا با نیروهای انقلابی بیش از هرچیز به انقلاب وجنگ می اندیشد وسخت معتقد به ارزش های اسلامی و انقلابی است. او در این دوران در یک گفتمان ایدیولوژیک دست به افرینش اشعار خود می زند که رفته رفته با اتمام جنگ و مشکلات پس از جنگ رنگ می بازد وبه اشعاری اعتراضی وسپس تغزلی تبدیل می گردد.

1. **بیان مسئله پژوهش**

انقلاب اسلامی علی رغم عمر کوتاه خود شاعران بسیاری را در فضای خود پرورش داده است . قیصر امین پور نیز یکی از شاعران نام اور این دوره است شاعری که شعر او هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنا برجسته است او شاعری است که از بدنه جامعه ی خود دور نیست و همین امر باعث شده او از همان آغاز در میان مردم محبوبیتی چشمگیری داشته باشد . او انسان را محور شعر خود قرار داده و از دردهایش سخن می گوید از (( غم نان)) ، (( مقاومت)) ، (( عشق)) ، (( آزادی)) ، (( دین)) ، (( خانواده)) ، (( شهید)) ،(( کودکی)) ، (( روستا)) ، (( ظلم ستیزی و عدالت خواهی)) و این رویکرد قیصر نسبت به جامعه از او شاعری متعهد ارائه می دهد.

1. **ضرورت پژوهش**

در برگرفتن سروده های قیصر امین پور بر اندیشه های سیاسی- اجتماعی و نقش آن ها در اصلاح و حرکت جامعه به سمت حفظ ارزش های انسانی، ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش را نشان می دهد.

1. **اهداف پژوهش**

از اهداف این پژوهش می توان به موارد زیر اشاره کرد

1. بررسی زندگی، فعالیت ها وآثار قیصر امین پور
2. بررسی جایگاه ادبی قیصر در ادبیات فارسی
3. بررسی و تبین اندیشه های سیاسی و اجتماعی شعر قیصر امین پور
4. بررسی جهانبینی و عواطف و من های شعری قیصر امین پور
5. **پرسش های پژوهش**

در این پژوهش کوشش می شود به پرسش های زیر پاسخ داده شود:

1. سیر تکاملی شعری قیصر چگونه بوده است؟
2. آیا دگرگونی در نوع دیدگاه های اجتماعی سیاسی قیصر امین پور بوجود آمده است؟
3. قیصر امین پور تا چه اندازه به آرمان های خود وفادار مانده است؟
4. آرمان های اجتماعی – سیاسی قیصر امین پور چیست؟
5. آیا قیصر امین پور – در جایگاه انتقادی نسبت به انقلاب قرار می گیرد؟

**6 - فرضیه پژوهش**

در این پژوهش فرضیه اجتماعی- سیاسی بودن اشعار قیصر امین پور، سیر تکاملی شعر قیصر امین پور ،دگرگونی دیدگاه های سیاسی اجتماعی قیصر امین پور وفاداری به آرمان ها و تعهد شعری او، و جایگاه انتقادی و اعتراضی او نسبت به حاکمیت مورد بررسی قرار می گیرد.

**7- روش اجرایی پژوهش**

این پژوهش بر پایه روش کتاب خانه ای و فیش برداری انجام گرفته است، ابتدا به معرفی قیصر امین پور ،محتوی و مضمون شعر های او پرداخته شده و دیدگاه های اجتماعی سیاسی او با ذکر نمونه های شعری فیش برداری و استخراج گردیده و سپس بررسی شده است.

فصل دوم

1. **نگاهي گذرا به زندگي و آثارقیصر امین پور**

قيصر امين پور به سال 1338 در گتوند، روستايي از توابع دزفول، زاده شد. تحصيلات دبستاني را در همان روستا و تحصيلات دبيرستاني را در دزفول به پايان برد. به دنبال پذيرفته شدن در رشته دامپزشکي به تهران آمد. اما، سال بعد، از ادامه تحصيل در اين رشته انصراف داد و در رشته علوم اجتماعي نام نويسي کرد. آن را هم نيمه کاره گذاشت و خارج از محيط دانشگاهي به فعاليت فرهنگي دلخواه خود سرگرم شد و با جمعي از همفکرانش، در شکل بندي حوزه انديشه و هنر اسلامي سهيم گشت. سپس، در سال 1360، دبير صفحه شعر هفته نامه سروش شد و تا 1371 در اين سمت باقي ماند. در سال 1363 دو دفتر شعر منتشر کرد: تنفس صبح و در کوچه آفتاب (مجموعه رباعي ها). در همين سال به دانشگاه بازگشت، اين بار به رشته زبان و ادبيات فارسي در دانشکده ادبيات و علوم انساني دانشگاه تهران. مجموعه اي از ثنر ادبي به نام طوفان در پرانتز و منظومه اي براي نوجوانان به نام ظهر روز دهم را در سال 1365 منتشر کرد. سال 1366 براي امين پور ايامي پرتنش بود - مقطعي که او را از دنياي قبلي جدا کرد و به دنياي ديگري، دنياي باز بيني و باز شکافي تفکرات گذشته و انتخاب مسيري نو رساند. از حوزه هنري سازمان تبليغات اسلامي بيرون آمد. کمي بعد، در سال 1367، سردبير سروش نوجوان شد و در ضمن، به تدريس در دانشگاه الزهرا پرداخت. سال هاي پاياني دهه شصت براي امين پور سال هاي ديگر ديدن، ديگر شدن، و رشد و بالندگي بود. در سال 1368، با جمعي از همفکرانش که از حوزه هنري سازمان تبليغات اسلامي کنار کشيده بودند، دفتر شعر جوان را راه اندازي، و مثل چشمه، مثل رود را براي نوجوانان منتشر کرد. در سال 1369 تحصيل در مقطع دکترا در رشته زبان و ادبيات فارسي را در دانشگاه تهران آغاز کرد. از آغاز دهه هفتاد، انتشار آثار امين پور پرشتاب تر شد:

1370 بی بال پریدن (نثر ادبی برای نوجوانان) و گفتگوهای بی گفت و گو (نثر ادبی برای نوجوانان)؛

1372 آینه های ناگهان (مجموعه ی شعر)؛

1375 به قول پرستو ( مجموعه ی شعر برای نوجوانان)؛

1380 گلها همه آفتابگردانند ( مجموعه ی شعر)؛

1383 سنّت و نوآوری در شعر معاصر (اثر تحقیقی)؛

1385 شعر و کودکی ( اثر تحقیقی)؛

1386 دستور زبان عشق ( مجموعه ی شعر).

امین پور در سال 1382 به عضویت پیوسته ی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی انتخاب شد. او ، ضمن تدریس در دانشگاه تهران، در هیئت مدیره ی خانه ی شاعران ایران و دفتر شعر جوان نیز عضویت داشت.

سال های آخر عمر امین پور، به سبب عوارض و بیماری های متعدّد، در رنج و عذاب گذشت. دفتر عمر کوتاه او سرانجام در 8 آبان 1386، با حمله ای قلبی بسته شد.

((مراسم تشییع پیکر شاعر برجسته، دکتر قیصر امین پور ، 9 آبان از خانه شاعران ایران آغاز شد. **رهبر جمهوری اسلامی** در پیامش به مناسبت در گذشت قیصر او و دوستانش را رویش های زیبا و مبارک انقلاب نامید: (( او و دوستانش نخستین رویش های زیبا و مبارک انقلاب در عرصه های شعر بودند و بخش مهمی از طراوت و جلوه این بوستان مرهون ظهور و رشد آن عزیز و دیگر دوستان همراه اوست. خدا پاداش خوبی های او را امروز که بیش از گذشته به آن نیازمند است، با کرم و فضل به او برگرداند و او را در آغوش رحمت و مغفرت خویش بگیرد.))

سپس پیکر قیصر امین پور توسط دوستدارانش از خانه شاعران تشییع و به دانشگاه تهران منتقل شد تا اساتید و دانشجویان دانشگاه تهران نیز با وی وداع کنند.

در مراسم تشییع قیصر امین پور کسانی چون **سید محمد خاتمی** ، **محمدرضا شفیعی کدکنی** ، علی بابا چاهی، ضیاء الدین ترابی، مصطفی رحماندوست، محمدعلی بهمنی، حسن بلخاری ، فاطمه راکعی، محمد جواد حق شناس ، ... و بسیاری از شخصیت های فرهنگی و ادبی و سیاسی حضور داشتند.

پیکر قیصر امین پور صبح روز جمعه 11 آبان ماه در پارک گلستان زادگاهش، گتوند، از توابع دزفول ، آرام گرفت.))

(طاهری، مهدی – آینه خیال: 147)

1-1 **اشعار شاعران در سوگ قیصر**

اما شاعران زیادی در سوگ قیصر شعر سرودند که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

**ساعد باقری:**

با هر بلایی صبر گفتند می آید آه ای غم بی قیصری! با تو چه باید کرد؟

**محمدعلی بهمنی:**

تا بود سر به زیرتر از آبشار بود قیصر ، که سر بلندتر از کوهسار بود

افتاده مثل ریگ ته درّه می نمود آن ایستاده شعر، که خود قله دار بود

**علی رضا قزوه:**

گرچه من می شکنم در خود یکسر، قیصر! مرگ حق است، تبسّم کن و بگذر، قیصر!

  مرگ، پایان کبوتر نیست، وقتی بی بال تا خدا پل زده ای مثل کبوتر، قیصر!

**افشین علا:**

به شکرانه یک نفس با تو بودن همه عمر را از تو خواهم سرودن

سرودم تو را بارها، خودگواهی نه در روز مرگت که در زنده بودن

**سید ابوالقاسم حسینی:**

مهیب بود خبر، پر کشید قیصر هم شکست قلب گل و قامت صنوبر هم

به سوی سید و سلمان سحر گشود آغوش مبارک است سفر... رفت این برادر هم

**ابوالفضل زرویی نصرآباد:**

رود رود رود

رود گریه جماعت کبود

در فراق آن که رفت

در عزای آن که بود

دیر مانده ام در این سرا ولی شما عزیز!

(( ناگهان چقدر زود))

(ماهنامه شعر- 1386 : 3)

1. **عنوان های شعری قیصر امین پور**

یکی از شیوه های تازه بررسی یک متن و جریان فکری حاکم بر آن تحلیل و نقد عنوان ها و اسامی بخش های درونی آن در معنای فراگیر است که می تواند، بیانگر تحولات فکری حاکم بر یک متن باشد و ((ساختاریک متن،همراه با انسجام و ارتباط اجزای تشکیل دهنده متن، صورت می گیرد. امین پور، از ارتباط دورنی اجزای یک متن ادبی فراتر رفته و بین عنوان یک شعر و بدنه متن هم ، ارتباط کلامی و معنایی ایجاد کرده است. او در بین چند متن در یک مجموعه توانسته است ارتباط معنایی برقرار کند، این ارتباط را عنوان های انتخاب شده اشعار او به عهده دارند.همین طور شاعر در سه مجموعه آخر خود سعی کرده است این ارتباط را بیشتر کرده، به ارتباط بین مجموعه های شعری اش ارتقا دهد. در انسجام و پیوند عنوان با متن، شاعر در کتاب (( در کوچه آفتاب)) در حالی که بیشترین عنوان های با ارتباط کلامی را به خود اختصاص داده است(89%) کمترین درصد عنوان های ادبی را دارد.(15%) همچنین ، عنوان های انتزاعی در این مجموعه کمترین درصد(85%) را به خود اختصاص داده است در حالی که این معادله در دو کتاب آخر عکس می شود. عنوان های با ارتباط معنایی در این دو مجموعه به پنجاه درصد می رسد.امّا درصد عنوان های ادبی در (( گل ها همه آفتابگردانند)) به 37% و در (( دستور زبان عشق)) به 51% می رسد و عنوان های انتزاعی دو کتاب به ترتیب (93%) و (100%) است. این مسئله دقت بالای شاعر را در انتخاب عنوان شعری در مجموعه های آخرش نشان می دهد. از سویی دیگر، انسجام داخل مجموعه ای ، فقط در سه کتاب آخر، به کار رفته است. در ((آینه های ناگهان)) و ((گل های همه آفتابگردانند)) فقط یک موضوع به این صورت عنوان بندی شده است( درد واره ها و احوال پرسی) ولی در ((دستور زبان عشق)) این نوع عنوان بندی ، سه بار به کار رفته است(طرحی برای صلح،ترانه آبی و آرمانی). ارتباط و انسجام بین چند مجموعه هم، فقط در همین سه کتاب آمده است: ( کودکی ها، نیایش، همزاد عاشقان جهان و آرمانی). همچنین عنوان های تکراری از همه بیشتر در (( در کوچه آفتاب )) 9بار و از همه کمتر در(( تنفّس صبح)) و (( دستور زبان عشق)) هر دام یک بار آمده است. این تکرار با تعدا عنوان های شعری این کتاب ها رابطه مستقیم دارد، چون بیشترین تعداد عنوان؛ 168 عنوان در کتاب اوّل و کمترین عنوان ها در مجموعه ((تنفّس صبح)) با 51 عنوان و در ((دستور زبان عشق)) 66 عنوان است.)) (گرجی،مصطفی،100)

1. **زبان در شعر قیصر امین پور**

در طول سه چهار دهه شاعری امین پور، توجه او به زبان همواره رو به افزایش است و به همان اندازه ، درگیری او با زبان نیز بیشتر می شود و به سبب توجّه او به امکانات زبانی، زبان شعرش رفته رفته پرداخته تر می شود. او دیگر تمام ویژگی های زبان را می شناسد و می داند چگونه از آن ها استفاده کند.

به اعتقاد او:

(( اصولاً زبان از هیچ کسی دستور نمی گیرد به جز از خودش. مخصوصاً زبان شعر که تنها از دل دستور می پذیرد. در شعر ، زبان مُنشیِ دل است. هر چه دلم گفت بگو گفته ام))

(امین پور، گزینه ی اشعار، مقدمه، ص31)

(( هنجار گریزی از طریق تغییر نقشِ نحویِ واژگان یکی از شگردهای زبانی مورد علاقه ی امین پور است. برای مثال ، در پایان بندیِ شعرِ (( **از اگر**)) ، شاعر، با تغییر مقوله ی دستوریِ اگر ( از ادات قید شرط به اسم) و باید ( از فعل به اسم)، زبان را به ساحت شعری در می آورد.)) (اقتصادی نیا ، سایه:146)

((راستی

در میان این همه اگر

تو چقدر بایدی

(امین پور، قیصر 164:139)

و یا در بیتِ زیر که افعال در جایگاه اسم نشسته اند:

شب و روز از تو می گوییم و می گویند، کاری کن

که(( می بینم)) بگیرد جای (( می گویند)) های ما

(همان:40)

نمونه های دیگر:

صدای تو دوباره مرا برد...

به آن سلامِ خیسِ ترس خورده

زیر دانه های ریز ریز ابتدای دی

به بویِ لحظه های هر کجای کی!

(همان:137)

در عبور از این مسیرِ دور

از الف اگر گذشته ام

از اگر اگر به با رسیده ام

از کجا به نا کجا...

(همان:163)

(( یکی دیگر از شگردهای زبانی امین پور تلاش برای بیرون کشیدن و ساختن معنی از دلِ حروفِ هر واژه و تناسب بخشیدن به آن حروف با حروفی متشابه از واژه های دیگر است. این شگردْگاه موفق و شاعرانه است؛ امّا گاه در حدّ یک بازی متوقف می شود و در معنا آفرینی ناکام می ماند:

آینه ها

با آه

آغاز می شوند

و آه

پایان حرف روشن آیینه هاست.

(همان:284)

و قاف

حرفِ آخرِ عشق است

آنجا که نام کوچکِ من

آغاز می شود.

(همان:280)

قطعه ی ((اشتقاق)) اصلاً بر مبنای همین شگرد زبانی است که ساخته شده است. در واقع، شاعر به یک نکته سنجی زبانی، شکل شعر داده است.

( اقتصادی یا، سایه:148)

وقتی جهان

از ریشه ی جهنم

و آدم

از عدم

و سعی

از ریشه های یأس می آید

وقتی که یک تفاوت ساده

در حرف

کفتار را

به کفتر

تبدیل می کند

باید به بی تفاوتیِ واژه ها

و واژه های بی طرفی

مثلِ نان

دل بست

نان را

از هر طرف بخوانی

نان است!

(امین پور، قیصر،293:1391)

1. **سَبک و درون مایه ها**

در اشعار امین پور رگه هایی از دید و دریافت های رمانتیک آشکار است. بیشترین مایه های رمانتیسم او را در دفتر تنفّسِ صبح می توان مشاهده کرد. طبیعت گرایی و گرایش به شهرگریزی و بازگشت به روستا، که از درون مایه های اصلی رمانتیسیسم اروپایی است و در این دفتر به چشم می خورد:

... من دلم می خواهد

دستمالی خیس

رویِ پیشانیِ تبدارِ بیابان بکشم

دستمالم را افسوس

نانِ ماشینی

در تصرّف دارد.

...

...

...

آبرویِ دِه ما را بردند!

(امین پور، قیصر1391:371)

مثنوی (( فصل وصل)) امین پور سرشار است از تصاویر روستایی و ستایش طبیعتِ بکر ، شاعر در پایان شعر، آرزویی را به زبان می آورد که جز با مرگ و آرمیدن در خاکِ روستا برآورده نشد:

بار می بندیم سویِ روستا می رسد از دور بویِ روستا

(همان:410)

(( هر چند تنفّسِ صبح حاوی رمانتیک ترین اشعار شاعر است، پس از آن نیز این مایه رنگ نمی بازد. هرچه پیوندهای ظاهریِ شاعر با زندگی شهری بیشتر می شود، بیزاری او از غوغای شهر عمیق تر و دلتنگی او برای ساده زیستی نمودارتر می گردد. در قطعه ی (( خورشید روستا)) از دفتر آینه های ناگهان، شاعر صریحاً از روستا به مثابه ی سرچشمه ی الهام و شکوفائیِ هنری خویش نام می برد و با بغضی غریب می سراید)) (اقتصادی نیا، سایه:140)

... از من گذشت

امّا دلم هنوز

با لهجه ی محلّیِ خود حرف می زند

با لهجه ی محلّیِ مردم

با لهجه ی فصیحِ گل و گندم

گندم

خورشیدِ روستاست

وقتی که باد موج می اندازد

در گیسوی طلائی گندمزار

خورشیدهای شعرِ من آنجاست.

(امین پور، قیصر، 1391:323)

این درون مایه ها را در قطعه ی (( خاطرات خیس)) و (( یادداشت های گم شده)) او نیز می توان دید.

نگاهِ رمانتیکِ امین پور به جهان بیش از اینهاست. او حتی به جنگ نگاهی رمانتیک دارد و لحن بیشتر اشعاری که درگیر و دار دفاع مقدس سروده است، بدون آنکه به آه و زاری و ناله تبدیل شود، احساساتی و پر شور است:

... امّا

من از درونِ سینه خبر دارم

از خانه های خونین

از قصه ی عروسکِ خون آلود

از انفجارِ مغزِ سری کوچک

بر بالشی که مملُوِ رؤیاهاست

رؤیای کودکانه ی شیرین...

(همان:386)

آرمان گرایی، به عنوان یکی دیگر از ویژگی های رمانتیسیسم، در اشعار امین پور دیده می شود. شاعری آرمان گرا کلّی نگر نیز هست.(( او اجزای تابلوها و قطعات پازل را برجسته نمی کند. تابلوهای کلّیِ دورنما می سازد و این از ویزگی های آثار رمانتیک است))

(سعیدی کیاسری:12)

امّا این گرایش رفته رفته تعدیل و به واقع گرایی کشیده می شود. و شاعر رؤیاها را به یک سو می نهد و با خویش می گوید:

نه چندان بزرگم

که کوچک بیابم خودم را

نه آن قدر کوچک

که خود را بزرگ...

گریز از میان مایگی

آرزویی بزرگ است؟

(امین پور، 1391 : 26)

تحوّل تدریجیِ شاعر از آرمان گرایی به واقع رایی رفته رفته عمیق تر می شود.

اما این گذار از آرمان به واقعیت به جز دلایل فردی علل اجتماعی نیز دارد.(( با تحوّل اجتماعی که پس از پایان جنگ پدیدار گشت، شاعر، که تازه از جنگ فارغ شده بود، خود را در برابر جهانی عینی، خشن ، بی عاطفه و تردید آمیز می بیند. حال آنکه او سال ها در حماسه زیسته بود حماسه ای که قصه ی قوم و قبیله است نه لالایی و خلسه ی فرد . نگاه شاعر به این دگرگونی دردی سنگین برایش به ارمغان می آورد))

(فتوحی:10)

خسته ام از آرزوها، آرزوهای شعاری

شوقِ پروازِ مجازی، بال های استعاری...

عاقبت پرونده ام را، با غبارِ آرزوها

خاک خواهد بست روزی، باد خواهد بُرد باری.

(امین پور، قیصر، 1391 : 187)

نه تنها امین پور ، بلکه بسیاری از هم نسلان او، همسو با این تحوّل اجتماعی، متحوّل شدند و عرصه ی افکار خویش را دیگرگونه کردند.

مایه ی طنز در دو دفتر آخر امین پور قوّت بیشتری می گیرد، حال آنکه در تنفّسِ صبح و آینه های ناگهان اصلاً به چشم نمی آید. طنز امین پور بیشتر نوعی ریشخند، نوعی نگاه مشکوک به دنیا، نوعی بازی و شوخی با امور جدّی است.در شعرهایی قیصر امین پور که مایه ای از شیطنت های زبانی دارند، زبان شعر بسیار به زبان گفتار نزدیک می شود و رگه های طنز از میان همان لحن گفتاری بر می خیزد:

باری من و تو بی گناهیم

او نیز تقصیری ندارد

پس بی گمان این کار

کارِ چهارم شخصِ مجهول است!

(همان:155)

و یا:

دیگران اگر که خوب ، یا خدا نکرده بد خوب ، من چه کرده ام؟ شاعرم که شاعرم!

راستی چه کرده ام؟ شاعری که کار نیست کار چیز دیگریست، من به فکرِ دیگرم!

(همان:38)

با این همه، نمی توان امین پور را در زمره ی طنز سرایان بشمار آورد. شیطنت های شاعرانه ی او در برابر یأس اندوهباری که بر بیشتر اشعار او سایه افکنده بسیار اندک است. در دفترهای او، درون مایه های تلخ-دلتنگی ، تنهایی،سرگشتگی، نا امیدی، بی پناهی و گم کردگی چشم گیرترند. او به مخاطبی که سببِ این همه تلخی را می پرسد چنین پاسخ می گوید:

* امّا چرا

آهنگِ شعرهایت تیره

و رنگشان

تلخ است؟

وقتی که بره ای

آرام و سر به زیر

با پایِ خود به مسلخِ تقدیرِ ناگزیر

نزدیک می شود

زنگوله اش چه آهنگی

دارد؟

(همان:22)

1. **شکل و قالب اشعار قیصر**

درون مایه های اشعار قیصر امین پور با آنکه گوناگونی چشمگیری دارند، برخی ، رفته رفته کم رنگ و بعضی رفته رفته پر رنگ و در پایان پایدار می شوند؛ اما شکل ، دگرگونی اساسی نمی پذیرد و همچنان در دایره امکاناتی که شاعر رفته رفته برگزیده و از آن خود کرده باقی می ماند. توجه به شکل بیشتر به صورت کاربرد گوناگون صنایع ادبی پدیدار می گردد. امین پور از راه بکارگیری انواع و اقسام صنایع بدیعی – تضاد، جناس، مبالغه، واج آرایی، تلمیح و ... شکل شعر خویش را پرداخته می کند و زبان آن را زیبایی و جلوه می بخشد.

امین پور در گزینش قالب های شعری دستی گشاده دارد. هم سنت گراست و هم نورپرداز، هم در قوالب کلاسیک شعر فارسی طبع آزمایی کرده و هم در شعر نیمایی. رباعی، مثنوی، دو بیتی و بیش از همه غزل برای بیان تأثرات شاعرانه او قالب شایسته ای است. غزل های امین پور، هر چند شکل کلاسیک دارند، با زبان امروزی خود به واقع ، غزل نو محسوب می شوند.

غزل های او سرشار از نوآوری هستند و در عین نگهداشت قالب و ظرف قدیم، مظروف های گوناگون و رنگارنگی دارند که حاصل شگردهای زبانی شاعرند:

ای شکوه بی کران اندوه من آسمان دریای جنگکوه من

(امین پور، قیصر، 1391: 43)

امین پور در زمینه شعر نو، پا را از شعر نیمایی فراتر نمی گذارند. او حتی یک شعر سپید هم ندارد و نورپردازی او در قالب نیمایی ظهور می کند. او در قالب نیمایی به قافیه وفادار است (( دلبستگی او به آوردن قافیه در اشعار نیمایی چنان است که گاه حتی در اشعار بسیار کوتاه که در دایره انتخاب واژگان تنگ است و مجال قافیه پردازی نیست، از آن نمی گذرد))

(اقتصادی نیا، سایه: 145)

آخرین برگ درخت افتاد

در حیاط خلوت پاییز

شادی شماد

(همان : 31)

پرنده

نشسته روی دیوار

گرفته یک قفس به منقار

(همان: 32)

((التزام به قافیه گاه حتی ابعاد دیگر شعر را تحت الشاع قرار می دهد. در بعضی اشعار به نظر می رسد قافیه مضمون را به دنبال خود کشیده و در واقع قافیه اندیشی است که مضمون آفرینی کرده است. در این دسته از اشعار ، قافیه اولین صدایی است که به گوش مخاطب می رسد، به طوری که اگر قافیه را شعر حذف کنیم از درجه ی تأثیر و نیروی آن تا حدّ زیادی کاسته می شود))

(اقتصادی نیا ، سایه: 145)

گذشتن از چهل

رسیدن و کمال

چه فکر کال کودکانه ای

زهی خیال خام

تمام!

(امین پور، قیصر 1391 : 149)

در اشعار قیصر امین پور قافیه از ارکان جدا ناشدنی شعر اوست باری امین پور از انگشت شمار نیمایی سرایانی است که مقید به قافیه اند.

مهمترین قالب های شعری قیصر امین پور به ترتیب اینگونه است(( در کوچه آفتاب با 130 رباعی و 48 دو بیتی ؛ تنفس صبح با 20 شعر نو، 30 غزل و1 مثنوی، آینه های ناگهان (دفتر اول) با 26 شعر نو، 14 غزل و (دفتر دوم) با 13 شعر نو، 11 غزل،1 رباعی، 4 دوبیتی و 1 مثنوی ؛ گل ها همه آفتابگردانند با 49 شعر نو، 35 غزل، 3 رباعی،2 دوبیتی و 1 قصیده؛ دستور زبان عشق با 24 شعر نو، 29 غزل،12 رباعی و 1 دوبیتی است که نمودار ذیل مجموعه اشعار او در پنج دفتر را به صورت مقایسه ای نشان می دهد.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | رباعی | دو بیتی | غزل | مثنوی | شعر نو | قصیده |
| تعداد در کل مجموعه ها | 146 | 55 | 119 | 2 | 132 | 1 |
| درصد | 09/32 | 09/12 | 15/26 | 44/0 | 01/29 | 22/0 |

**قصیده**

**شعر نو**

**مثنوی**

**غزل**

**دو بیتی**

**رباعی**

**مثنوی**

**قصیده**

**شعر نو**

**غزل**

**دو بیتی**

با توجه به این آمار، بیشترین قالب های شعری وی ، شعر نو و غزل است که به طور یکنواخت در همه مجموعه ها – به جز دفتر اوّل – به کار رفته است . قالب رباعی اگر چه بیشترین کاربرد را دا رد، فقط در دفتر اوّل از بسامد بالایی برخوردار است و در دفترهای دیگر، حضور آن کم رنگ شده است. کمترین قالب شعری هم قصیده است که فقط یک بار به کار رفته است.

فصل سوم

**1- دیدگاه اجتماعی ـ سیاسی در ادبیات فارسی**

همراه با گسترش سواد به سطوح مختلف اجتماعی و افزایش امکانات نشر و در پی اختراع ماشین چاپ ادبیات توانست اندک اندک در طبقات متوسط و پایین جامعه نیز مخاطبان خود را پیدا کند، بدین گونه رویکرد اجتماعی – سیاسی ادبیات بیش از پیش ، مورد توجه قرار گرفت و در قلمرو این دیدگاه آثار اجتماعی – سیاسی پدیدار گشت و ادبیات متعهد مطرح شد.

آغاز ادبیات با کارکرد اجتماعی – سیاسی را برای اروپا از اوایل قرن هجدهم و برای ایران هم زمان با پدید آمدن افکار مشروطه خواهی و انقلاب مشروطه دانسته اند.

**1-1 دیدگاه های اجتماعی ـ سیاسی در ادبیات عصر مشروطه:**

از مشخصات اصلی ادبیات این عصر ، تأثیرپذیری از مسائل روز جامعه و در نتیجه وارد شدن به حوزه ی زندگی مردم است. تحت تأثیر این شرایط ، جریان ادبیات اعتراض و انتقاد شکل می گیرد و جریان های موجود در دوره های گذشته چون (( ادبیات درباری و غنایی و صوفیانه)) کم رنگ تر می شوند و در نتیجه افکار و مضامین جدید وارد شعر می شود ، که برخی از آن ها بی سابقه بوده است. از این روی ادبیات این دوره به دلیل عدم همخوانی این افکار و مضامین با قالب های رایج، دچار نوعی بی نظمی و درهم ریختگی می شود. از جمله مضامینی که در این دوره وارد ادبیات فارسی می شود. می توان از : (( استبداد)) ، (( قانون)) ، (( آزادی))،(( وطن)) ، (( زن)) ،(( تجدد)) ، (( کارگر)) ، (( خرافه ستیزی)) ،(( دانش و فن آوری)) ، (( عرب ستیزی)) و ... نام برد.که همگی از دیدگاه های اجتماعی و سیاسی شعرای این دوره است.

قالب ها نیز رفته رفته تغییر می کنند و (( مستزاد)) ، (( چار پاره)) ، (( قطعه)) ، (( تصنیف)) و (( مثنوی)) جای قصیده و حتی غزل را می گیرد.

بتدریج شعر از دربار دور می شود و با زندگی و مشکلات اجتماعی مردم گره می خورد، بنابراین زبان شعر هم تغییر می کند. شعر این دوره بیشتر به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی به کار گرفته می شود، به همین دلیل انسجام هنری لازم را ندارد (( مهمترین خصیصه ی شعر عصر مشروطه، **پرخاشگری و اعتراضی** است که در آن نهفته است.))

(پارسا نسب، محمد:207)

شاعر این عصر اعتراض می کند و از گزند او هیچ گروهی محفوظ نیستند:

گر دیده وطن غرقه ی اندوه و محن وای ای وای وطن وای

خیزد و روید از پی تابوت و کفن وای ای وای وطن وای

از خون جوانان که شده کشته در این راه رنگین طبق ماه

خونین شده صحرا و تل و دشت و دمن وای ای وای وطن وای

کوه همت و کو غیرت و کو جوش فتوت؟ کو جنبش ملت؟

دردا که رسید از دو طرف سیل فتن وای ای وای وطن وای

بعضی وزرا مسلکشان را هزنی شد سرّی علنی شد

گشته علما غرفه در این لای و لجن وای ای وای وطن وای

یک جامه ندارند رعیت به بدن وای ای وای وطن وای

(کلیات سید اشرف الدین گیلانی: 91 – 92 )

**2-1 دیدگاه های اجتماعی ـ سیاسی در ادبیات معاصر**

قرن حاضر، قرن به وجود آمدن دگرگونی های بزرگ در زمینه ی تفکر فلسفی، سیاسی و اجتماعی انسان معاصر ایرانی است که به ایجاد تغییرات بنیادین در عرصه های مختلف از جمله ادبیات شده است. در عرصه ی ادبیات معاصر ، با توجه به تغییراتی که در نوع نگاه شاعران نسبت به انسان و زندگی به وجود آمد نقش و کارکرد ادبیات متحول گردید. تحولاتی که در ساختار ، محتوا، زبان و بیان شعر ایجاد شد. اینگونه است که جریانی از شعر ظهور می کند که عنوان (( **شعر نو**)) را به خود می گیرد، هر چند که جریان های سنتی شعر نیز به حیات خود ادامه می دهند، اما این جریان ها تأثیری در تحولات اجتماعی و بروز و ظهور اندیشه های سیاسی ـ اجتماعی در شعر ندارند. اما شایان ذکر است که این ((جریان (( **شعر نو**)) شاخه هایی چون (( شعر کلاسیک)) ، (( شعر رمانتیسم)) و (( شعر سمبولیسم جامعه گرا)) را در خود دارد.))

( پارسانسب، محمد: 225)

این نوع شعر مشخصه های خاص خود را دارد شعر نو حساسیت بالای نسبت به سرنوشت انسان به عنوان موجودی اجتماعی و دارای مسئولیت و اختیار دارد. نگاه شاعر به ابعاد مادی زندگی ملموس تر می شود و شعر به خدمت نیازهای اجتماعی و فردی انسان در می آید و از عوالم ماوراء طبیعی فاصله ی بیشتری می گیرد. مهمترین دغدغه های شاعران این عصر ، پرداختن به مسائل جامعه است. عشق در این نوع شعر ، مترادف با عشق جسمانی است و بعضی از شعرا از توصیف جزئیات آن ترسی به خود راه نمی دهند. درون مایه هایی چون ستیز با سنت های دست و پا گیر ادبی ، مدرنیته با جنبه های مثبت و منفی آن مورد توجه شاعران قرار می گیرد.

(( شاخص ترین چهره های جریان نو، نیما یوشیج ، اخوان ثالث ، احمد شاملو، سهراب سپهری ، فروغ فرخزاد، شفیعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج و ... هستند.))

(همان:226)

شعر و ادبیات معاصر رفته رفته تبدیل به سلاحی می شود برای مبارزه با استبداد ، دعوت به مبارزه با ظلم و ستم و زشتی ها ، پرداختن به آزادی و وطن در این اشعار موج می زند. شاعر از مخاطب می خواهد تا فریادش را رها سازد و پرخاش کند و خواب ستمگران را آشفته سازد:

به چرک می نشیند

خنده

به نوار زخم بندی اش ار

ببندی

رهایش کن

رهایش کن

اگر چند

قیلوله ی دیو

آشفته می شود.

( مجموعه آثار احمد شاملو، 724 – 725)

با ظهور انقلاب اسلامی و بعد از آن جنگ تحمیلی ایران دیدگاه های شعرا اجتماعی تر می شود و شعر انقلاب به وجود می آید و گروهی خود را متعهد به دفاع از انقلاب می دانند و به حمایت از آن می پردازند و پس از جنگ در اشعار آنها مبارزه علیه دشمن خارجی ، فضای ایثار و شهادت شکل می گیرد و از طرفی دیگر شاعران مبارزی هستند که پس از انقلاب آرمان های خود را از دست رفته می بینند و از فضای امنیتی و خفقانی که جنگ ، کَج اندیشی ها و رویکردهای غلط گروه های سیاسی حاکم به وجود آورده اند زبان به انتقاد می گشایند:

دهانت را می بویند

مبادا که گفته باشی دوستت می دارم

دلت را می پویند

روزگار غریبیست نازنین

و عشق را

کنار تیرک راهبند

تازیانه می زنند

عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد

در این بن بست کج و پیچ سرما

آتش را

به سوخت بار سرود و شعر

فروزان می دارند.

به اندیشیدن خطر مکن

روزگار غریبیست نازنین.

(مجموعه آثار شاملو)

پرداختن شاعران به مسائل جامعه و غافل نبودن از اوضاع اجتماع و شرایط اجتماعی سیاسی شعر متعهد را به وجود می آورد . شعری که دیگر زبان مردم است و وظیفه هدایتگری و روشنگری دارد و به اوضاع اجتماع بی تفاوت نیست.

1. **تعهد در ادبیات فارسی**

((این واقعیت که نویسنده و هنرمند خواه ناخواه در محیطی اجتماعی و در وضعیت خاص عصر خویش زندگی می کند و نمی تواند نسبت به آنچه در پیرامونش می گذرد کاملاً بی تفاوت باشد خود به معنای درگیر بودن در مسائل اجتماعی و وجود نوعی تعهد در آن است.))

(وحیدا، فریدون : 59)

شعرا و نویسندگان ایران نیز نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می کرده اند متعهد و نسبت به مسائل آن غافل نبوده اند . آنها در هر دوره تاریخی – ادبی ایران به شرایط موجود در جامعه توجه داشته و گوشه هایی از فضای عمومی عصر خویش را بازتاب داده اند.

در قرون نخست بعد از اسلام شاعر متعهد سعی در زنده نگاه داشتن زبان فارسی به عنوان هویت ایرانی و به تبع آن آئین ها و ریشه های اصالت ایرانی را داشته است. که در این عرصه از شاعرانی چون فردوسی، ابوعلی محمدبن احمد بلخی و ... می توان نام برد.

و یا در دوره ای دیگر شاعر تعهد را در نگاه داشت اخلاق و مذهب و پرداختن به حکمت می داند و شعر گفتن برای صله را نگوهش می کند:

به علم و به گوهر کنی مدحت آن را که مایه است و جهل و بد گوهری را

به نظم اندر آری دروغی طمع را دروغ است سرمایه مرکافری را

سپند است باز هد عمّار و بوذر کند مدح محمود مر عنصری را؟

من آنم که در پای خوکان نریزم مر این قیمتی درّ لفظ دری را

(دیوان اشعار ناصر خسرو)

این تعهد نسبت به جامعه را می توان در اشعار عبید و غزلیات خواجه حافظ شیرازی به وضوح مشاهده کرد در جای که در دوره حکومت امیر مبارز الدین در پی تعصب ورزیها و سخت گیری های زاهد مآبانه وی روزگار سختی بر مردم شیرازی می گذرد:

زاهدان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند

چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

مشکلی دارم ز دانشمند مجلس بازپرس

تو به فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند

(دیوان حافظ شیرازی)

با پدید آمدن افکار نو و حرکتی به عظمت انقلاب مشروطیت که به استبداد قاجار مهر پایان زد موضوعات و مسائلی را مطرح ساخت که در تاریخ ایران سابقه نداشت و طبیعی بود که موضوع تفکرات سیاسی – اجتماعی مورد توجه ارباب سخن و قلم قرار گیرد . در این دوره تعهد در ادبیات نقش اساسی پیدا می کند و ادبیات رسالتی که در طول چند قرن با فراموشی سپرده بود را دوباره بر عهده می گیرد. گروه هایی از شعرا و نویسندگان به اردوی آزادی خواهی پیوستند و فرصت یافتند تا از قلم به عنوان سلاحی در جهت مبارزه و پیکار بر علیه ظلم و تبعیض و فساد و خرافه و در مجموع وضع نامطلوب جامعه استفاده کنند و دستگاه های چاپ دیگر در دست دولتیان نبود و نویسندگان می توانستند تا حرف خود را هر چه بهتر به گوش مردم برسانند.

پس از انقلاب مشروطه ادبیات متعهد راه خود را ادامه داد تا به انقلاب اسلامی رسید و پس از آن جنگ، در این دوره شاعر تعهد خود را نسبت به حفظ آرمان های انقلاب و مبارزه با دشمن احساس می کند و گروهی دیگر نیز تعهد خود را نسبت به فراموش شدن راه انقلاب که رسیدن به آزادی بوده است . هر دو گروه به موازات فعالیت های خود را انجام می دهند ، که پس از جنگ گویا بسیاری از شاعران گروه اول نیز که به آرمان های خود نرسیده اند به خیل منتقدین و گروه دوم می پیوندند و یا در تنهایی خود فرو می روند و به (( **من** )) شخصی خود می پردازند.

1. **قیصر شاعر متعهد:**

پورنامداریان درباره ی تعهد شعری قیصر می گوید: (( این تعّهد در مجموعه های اولیه اش، بیشتر تعهدی بود که نسبت به انقلاب و به خصوص نسبت به کسانی که به جبهه ها می رفتند و می جنگیدند، خیلی محسوس تر و پر رنگ تر بود... ((امین پور)) به تأمل و جست و جوی حقیقت برآمد، حقیقتی که عقل و اندیشه به تنهایی، قادر به وصول آن نبود.))

(محقق 1387: 26)

* **قیصر امین پور** خود در این زمینه می گوید: (( در ادبیات انقلابی، ادبیات ] و به ویژه شعر[ سلاحی بود که بر سر دشمن انقلاب و سنّت ها و هنجارهای اجتماعی حاکم کوبیده می شد.))

(امین پور، 1386 : 296)

(( **رضا سید حسینی**)) درباره تعّهد در شعر ((قیصر امین پور)) گفته است: (( قیصر در زمینه تعّهد در شعر، دو دسته شعر سروده ؛ در برخی از شعرها، تعّهد اجتماعی داشت و در برخی دیگر، به ذات شعر وفادار بود و برای دل خودش می سرود.))

(محقق ، 1387: 51)

فصل چهارم

1. **انقلاب اسلامی**

به طور حتم ادبیات در هر عصر و زمانی تحت تأثیر شرایط و بستر فکری فرهنگی آن زمان نقش می پذیرد شاعران انقلاب نیز تحت تأثیر این واقعه و تبعات آن اشعار خود را سرایده اند اما شعر انقلاب اسلامی در برگیرنده مؤلفه هایی است که تحت تأثیر همین شرایط شکل گرفته اند که به آنها اشاره می شود:

1. احیای تفکر نوین اسلامی و پرهیز از مضامین غنایی
2. پیوند شعر با مضامین سیاسی و اجتماعی
3. کوشش برای پیوند افکار با ارزش های اسلامی
4. تبلیغ فرهنگ شهید و شهادت
5. گرایش به موضوعات حماسی و رزمی و تأثیر پذیری از دفاع مقدس
6. مبارزه با رفاه زدگی و بی دردی
7. مدح و منقبت ائمه اطهار
8. توصیف حماسه های رزمندگان ، جانبازان و آزادگان
9. موضوع انتظار
10. سیمای آیت ا... خمینی در شعر پس از انقلاب که ورود ایشان به عرصه سیاست نقطه عطفی برای سروده های شاعران انقلاب است.

اما این مؤلفه ها کاملاً در اشعار قیصر امین پور که او را ملک الشعرای انقلاب نامیده اند به وضوح دیده می شود که در هر موضوع مفصلاً به آنها پرداخته می شود اما نظر و دیدگاه قیصر امین پور به این واقعه (انقلاب اسلامی) چون نوری و آفتابی است که در تاریکی تابیده است و باعث هدایت و رشد جامعه شده است. حسین قرایی درباره گفتگویی که با او داشته است می گوید :(( این سؤال را از قیصر پرسیدم که در شعر می گوید:

در خواب شبی شهاب را پیدا کردم در رقص سراب، آب را پیدا کردم

این دفتر پر ترانه را هم روزی در کوچه آفتاب پیدا کردم

گفتم کوچه آفتاب کجاست؟ گفت **انقلاب اسلامی** همین فضا که خود ما اینجا حضور داریم اگر ما در فضایی غیر انقلاب اسلامی بودیم اصلاً رشد نمی کردیم))

(مصاحبه با حسین قرایی، خبرگزاری فارس: 1390)

آری از دیدگاه او مردم انقلابی در مسیر آفتاب و رو به آفتاب قدم بر می دارند.

(( مارو به آفتاب سفر می کنیم و بس زینروی در قفاست همه سیایه های ما))

(امین پور، قیصر، 1391 : 42)

و شروع و ادامه ی انقلاب را به حماسه ای بی انتها تشبیه می کند:

(( آغاز شد **حماسه ی بی انتهای** ما پیچید در زمانه طنین صدای ما

آنک نگاه کن که ز خون نقش بسته است بر اوج قله های خطر جای پای ما))

(همان: 402)

در ذهن قیصر امین پور این آرمان می گذرد که این انقلاب به دیگر نقاط جهان نیز صادر شود دیدگاه ایدولوژیکی که سال هاست ادامه دارد:

(( خوشا اشاعه ی خورشید در بسیط زمین صدور نور به هر جا که آسمان تاراست))

(همان : 342)

اما این انقلاب در راه خود دچار مشکلاتی می شود ،یارانی که انقلاب را رها می کنند و بعضاً به آن پشت می کنند و دسته ها و گروه هایی که در راه آن سنگ اندازی می کنند که باعث درد و حسرت شاعر می شود:

(( دردا و حسرتا که زبیگانه ام ربود در این میانه گوی ستم آشنای ما

ماندند همراهان همه در وادی نخست جز سایه ها نمادند کسی در قفای ما))

(همان: 402)

قیصر امین پور خصومت های دشمنان انقلاب اسلامی را به خاطر از بین بردن استبداد و فریاد آزادی می داند:

(( گناه اول ما، افتتحاح پنجره بود گناه دیگر ما، انهدام دیوار است))

(همان: 342)

پس انقلاب اسلامی در دیدگاه قیصر چون نور،آفتاب و خورشیدی تابان است ، حماسه ای بی انتها که باعث آزادی بشریت می شود و شاعر آرزوی صدور و اشاعه ای آن را ، در بسیط زمین دارد.

1. **رهبران ، شخصیت های سیاسی و مبارز در شعر قیصر امین پور**

شخصیت هایی که در بیداری مردم و به ویژه جوانان نقش مهمی داشته اند در اشعار قیصر از آن ها یاد شده است. شخصیت هایی چون آیت ا... خمینی، دکتر علی شریعتی و آیت ا... طالقانی.

**1-2 آیت ا... خمینی در اشعار قیصر**

نام آیت ا... خمینی به عنوان رهبر انقلابی بزرگ در نیمه ی دوم قرن بیستم، که حکومتی شاهنشاهی با قدمتی دیرینه را سرنگون کرد، در رأس هرم شعر مقاومت و انقلاب قرار دارد.

با انقلاب اسلامی در ایران و شروع فعالیت های سیاسی و اجتماعی بسیاری از شعرا به ستایش و تمجید رهبر این انقلاب همت گماشتند، اما از دیدگاه قیصر امین پور او نه تنها رهبر انقلاب است بلکه مراد و عشق قیصر امین پور نیز محسوب می شود. شعرهای امین پور برای آیت ا... خمینی رنگی عاشقانه دارد، گویا او غرق در زیبائیهای معشوق خود است و در جذبه ای عاشقانه این اشعار را سروده است:

(( لبخند تو خلاصه ی خوبی هاست

لختی بخند خنده ی ، گل زیباست

پیشانیت تنفس یک صبح است

صبحی که انتهای شب یلداست

در چشمت از حضور کبوترها

هر لحظه مثل صحن حرم غوغاست

رنگین کمان عشق اهوارایی

از پشت شیشه ی دل تو پیداست

فریاد تو تلاطم یک طوفان

آرامشت تلاوت یک دریاست

با ما بدون فاصله صحبت کن

ای آنکه ارتفاع تو دور از ماست))

(امین پور، قیصر:407)

قیصر امین پور **آیت ا... خمینی** را طلایه دار مردان خدایی می داند و او را قطب عارفان می نامد ، قلب او را چون گل آفتابگردانی می داند که در طلب خورشید و نور خدایی است:

مردی که طلایه دار مردان خداست از طایفه ی نور نوردان خداست

قطبی که مدار چشم او قبله نماست قلبش گل آفتابگردان خداست

((همان:419))

قیصر امین پور **آیت ا... خمینی** را رهبری می داند که فریادش طوفانی به پا می کند از حرکت و جنبش

ملت ها و خطوط پیشانی او سرنوشت یک ملت را تغییر می دهد:

((بگذار عاشقانه بگویم !

بر صفحه ی جبین تو

آن نقطه

آن خطوط موازی است

که سرنوشت قوم مرا شکل می دهد

پیشانی تو

تفسیر لوح محفوظ

پیشانی تو سوره ی نور است

این راز سر به مهر قدیمی

از دستبرد حادثه دور است

بگذار بعد از این تنها پیشانی تو را بسرایم.))

(همان: 320 – 331)

((فریاد تو تلاطم یک طوفان آرامشت تلاوت یک دریاست))

(همان:407)

و این رهبر آرامشی دارد که شاعر را مجذوب خود کرده است:

((دریای دلت ساحل اطمینان بود آرامش تو طعنه به طوفان می زد))

(همان:433)

قیصر امین پور با همان روحیه انقلابی خود از دیگران می خواهد که امام و رهبر خود را تنها نگذارند:

((مبادا خویشتن را واگذاریم امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهیدی لاله ای اُست مبادا روی لاله پا گذاریم))

(همان: 455)

قیصر شهیدان راه میهن و انقلاب را افرادی می داند که عاشق **آیت ا... خمینی** هستند و رهتوشه ای جز کلام خدا و عکس رهبر خود نمی خواهند:

(( جز آن لباس سبز

و نقش آن کلام الهی را

رهتوشه ی شهید همین بس: یک جامه، یک کلام

تصویری از امام))

(همان:381)

در میان اشعاری که قیصر امین پور برای **آیت ا... خمینی** گفته دو شعر را صراحتاً به ایشان تقدیم کرده:

1- خلاصه ی خوبی ها(همان:407) 2- طلایه دار(همان:419) هر دو از مجموعه تنفس صبح.

**2-2 دکتر علی شریعتی**

شخصیت و افکار دکتر علی شریعتی قطعاً مورد توجه قیصر امین پور بوده و مانند دیگر جوانان نسل انقلاب قیصر امین پور از این معلم شهید تأثیر پذیرفته به گونه ای که این تأثیر را حتی در نام گذاری شعرش هبوط در کویر (همان:48) که هم نام یکی از آثار **دکتر شریعتی** است و در شعر ((غزل تقویم ها)) که امین پور در ذیل آن نوشته ((خوشه ای از کویر شهید شریعتی چیدم)) (همان:392) می توان دید:

عمری بجز بیهوده بودن سر نکردیم تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم

(همان:392)

**دکتر شریعتی** مخالفین زیادی در قشر مذهبی جامعه داشت که سعی می کردند از او به عنوان شهید یاد نکنند حسین قرایی در مصاحبه ای که با قیصر داشته به این موضوع پرداخته:

(( چیزی که نظر من را در کتاب تنفس صبح جلب کرده بود یک غزل بود با این بیت : عمری بجز بیهوده بودن سر نکردیم/ تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم زیر این مصرع پاورقی زده بود و نوشته بود خوشه ای که از کویر شریعتی چیدم. من ندیده بودم کسی شریعتی را شهید خطاب کند همین مسئله را درباره مطهری و شریعتی از او پرسیدم. خیلی بدش آمد و گفت چه لزومی دارد این سؤال ها را بپرسی.))

(گروه فرهنگی خبرگزاری فارس :7/8/90)

اما قیصر پاسخ این یاوه گویان را با شعری که در صدرش نوشته شده برای **شهید شریعتی** اینگونه می دهد:

برخیز که روح آب بر خاک افتاد آن راکب خونرکاب بر خاک افتاد

چشمان شفق به سوگ ، خون می گرید همسایه آفتاب بر خاک افتاد

(همان:420)

**3-2 آیت ا... طالقانی**

امین پور در اشعارش از آیت ا... طالقانی هم یاد می کند. او **آیت ا... طالقانی**، که انقلابی ها به او پدر می گفتند را اسطوره ی پایداری ، صبر ، ایمان و استقامت خالص می داند و این شعر را به یاد او می سراید:

اسرار پایداری او را

زان یار سر بلند بپرسید

از آیه، آیه ، آیه ایمان

و ز سوره سوره ی صبر

از نام او نشانه بگیرید

شاید توان مجسمه ای ساخت

از جنس استقامت خالص.

(همان: 378 -379)

1. **وحدت در اشعار قیصر امین پور**

قیصر امین پور در اشعارش جامعه انقلابی را که در مسیر دشواری قرار دارد و دشمنان آن می خواهند با تفرقه به انقلاب آن ها ضربه وارد کنند، دعوت به وحدت می کند:

(( این من و تو حاصل تفریق ماست

پس تو هم با من بیا تا ما شویم

حاصل جمع تمام قطره ها

می شود دریا بیا دریا شویم))

( امین پور، قیصر، 1391 : 470)

او عدم وحدت را باعث بی رنگی و بی هویتی می داند و انسان ها را به وحدت دعوت می کند تا از بی رنگی جدا شوند و رنگ خدایی بگیرند:

قطره ها بی رنگ و از دریا جداست

قطره ها تنها چرا بی رنگ ماند

(همان: 470)

و یا:

قطره ها را که با هم می روند

آسمان رنگ خدایی می زند

(همان:470)

و اما از دیدگاه عرفانی نیز او به مسئله وحدت و کثرت در اشعارش می پردازد:

پراکندگی حاصل کثرت است بیاید تمرین وحدت کنیم

مگر موج دریا ز دریا جداست چرا بر یکی حکم کثرت کنیم

(همان: 64)

1. **جنبش های آزادی بخش**

هم دردی با نهضت های آزادی خواه جهان از مضامینی است که در اشعار اجتماعی قیصر امین پور دیده می شود. شاعران انقلاب در اشعار خود به دردهای جهانی نیز می اندیشیدند البته این مضمون رفته رفته با توجه به مشکلات داخلی کمرنگ می شود.

قیصر امین پور در اشعارش با دیگر ملت های مظلوم به ویژه مردم (( فلسطین)) و (( افغانستان)) هم دردی می کند، رویکرد او نسبت به آزادی خواهی از مرزهای جغرافیایی فراتر می رود. حمایت از مردم فلسطین و مبارزات آنها نخستین گام اوست. او (( **منظومه ی: فلسطین**)) را در دفتر (( مثل چشمه مثل رود)) برای مردم مظلوم فلسطین سروده است و او در غزل (( بیا بلند بگوییم )) که آن را به مجاهدان مسلمان افغانستان تقدیم کرده است، از حوادث و توطئه های جهانخواران برای نابودی ملل محروم ،با تعبیر (( **طوفان شن**)) یاد کرده است. در این شعر شاعر از مردم افغانستان می خواهد که همچنان در گذر باد( هجوم شوروی سابق به افغانستان) مقاومت و ایستادگی کنند: ))

( علیه پور، سیده مریم: 13)

(( خوشا که در دل طوفان شن روان باشیم برای خستگی خویش سایبان باشیم

بیا بلند بگوییم ما نمی خواهیم نماز را بگذاریم و فکر نان باشیم

چگونه رایت را اهتزاز ممنوع است چگونه در گذر باد، بی تکان باشیم؟))

(تنفس صبح:117)

1. **شعر دفاع مقدس**

با شروع جنگی که به ایران شده بود و تداوم این جنگ و دشواریها و سختی های کی به واسطه جنگ برای جامعه ایجاد شد محتوی غم اگیز و تراژیکی وارد ادبیات معاصر ایران شد و شعر دفاع مقدس را به وجود آورد و توسط شاعرانی چون **قیصر امین پور** و **سید حسن حسینی** و **سلمان هراتی** شکل گرفت. قیصر امین پور قلم را در این عرصه سلاحی می داند برای مبارزه با دشمن متجاوز که این دشمن آرامان های انقلاب را هدف قرارداده ، دشمنی که می خواهد آزادی را از مردمی که تازه انقلاب کرده اند بگیرد ، این دشمن دشمن آزادی است.

« در قفس دریا نمی گنجد ز آنکه کار مدح پرواز است

ما همان دریای آزادیم دشمن ما آن قفس ساز است »

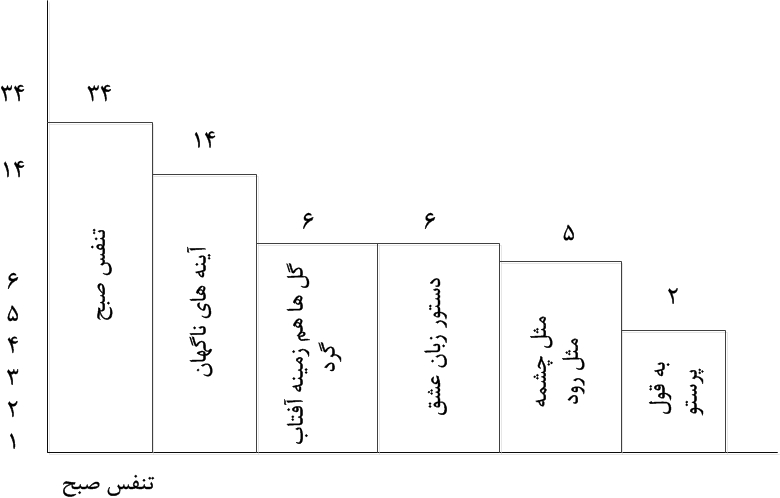
« امین پور ، قیصر ، 1391: 473»

**1-5 قالب شعر دفاع مقدس**

قالب های شعر این دوره بیشتر غزل و در کنار آن دوبیتی ، رباعی و مثنوی است اما برترین و بارزترین قالب شعری دفاع مقدس غزل است « در سال های پس از انقلاب ، شاعران جوان به دلیل ظرفیتی که غزل در پیشینه ی خود برای مفاهیم عرفانی و معنوی نشان داده بود ، این قالب را برای بیان بسیاری از عواطف معنوی و روحانی مناسب دیدند.»

( باقری ، 20:1372 )

1. **دفاع مقدس در اشعار قیصر امین پور**

اشعاری که قیصر امین پور در آن مستقیماً به موضوع دفاع مقدس پرداخته است در مجموع 67 شعر است که به ترتیب (34) شعر از دفتر قفس صبح (14) شعر از دفتر آینه های ناگهان (6) شعر از دفتر گل ها همه آفتابگردانند (6) شعر از دفتر دستور زبان عشق (5) شعر از دفتر مثل چشمه مثل رود (2) شعر از دفتر به قول پرستو است.

**1-6 تقسیم بندی اشعار دفاع مقدس قیصر امین پور**

اشعار دفاع مقدس قیصر به دو دسته ی اشعار **زمان جنگ** و اشعار **پس از جنگ** تقسیم می شوند. امین پور در اشعار دوران جنگ بیشتر به مسائلی چون : ایجاد شور و انگیزه در رزمندگان ، فلسفه ی جهاد و شهادت طلبی خانواده شهدا و... و مسائلی که جامعه در زمان جنگ با آن همراه است می پردازد اما اشعار پس از جنگ او درد واره های قیصر است و رنگ و بوی اعتراضی دارد و یا شعر حسرت و دریغ است حسرت از جاماندن از کاروان شهدا و تنهایی و غربت :

(( براین زین خالی نه گردی ، نه مردی دلازین غم از خون نگردی ، نه مردی

نه من پر کنم جای همچون تویی را کجا پر شود جای گُردی به گردی؟

گذشتن زسر ، سرگذشتی است خونین دلا کی تو این ره ، به زردی نوردی ؟

تو بردی زمن گوی در عشق بازی ولی باختم من ، چه نردی ، چه نردی ))

( امین پور ، قیصر ، 398:1391)

و اما خود قیصر در مورد نقد شعر دفاع مقدس و دیدگاهش نسبت به شعر این دوره اینچنین می گوید « قضاوت درباره ی هنر و ادبیات دوره های خاص ، دشوار است. منظور از دوره های خاص ، دوره هایی مثل مشروطیت ، انقلاب اسلامی ، جنگ و دفاع مقدس است که انگار شعر و ادبیات در این دوره ها ، وظیفه و رسالت و در نتیجه ، گویی تعریف دیگری پیدا می کند .................بنابراین ، در بررسی چنین دوره هایی ، بهتر است که به جای نقد ایده آل ، به نقد رئال بپردازیم ؛ یعنی واقع گرایانه ، نگاه کنیم ، نه صرفاً آرمانی. »

(امین پور ، قیصر ، 21:1372)

**2-6 موضوعات پرداخته شده در شعر دفاع مقدس قیصر امین پور**

قیصر امین پور در این نوع از اشعار خود به موضوعاتی چون 1- تشویق رزمندگان و برانگیختن روح حماسی در آن ها . 2- شهادت طلبی 3- شهید و شهادت 4- پیام شهدا 5- حیات جاودانه شهید 6-انگیزه شهید 7- خانواده شهدا و رزمندگان 8- جوانان و نوجوانان شهید 9- مقام شهید 10- شهیدان مفقودالاثر 11-انتقاد از منتقدان شهادت 12-صبر و ایستادگی مردم پرداخته است.

**3-6 تشویق رزمندگان و برانگیختن روح حماسی در آن ها**

قیصر امین پور در این نوع از اشعار خود به موضوعاتی چون تشویق رزمندگان و برانگیختن روح حماسی در آن ها . 1-شهادت طلبی 2- شهید و شهادت 3-پیام شهدا 4-حیات جاودانه شهید 5-انگیزه شهید 6-خانواده شهدا و رزمندگان 7-جوانان و نوجوانان شهید8- مقام شهید 9- شهیدان مفقودالاثر 10-انتقاد از منتقدان شهادت 11-صبر و ایستادگی مردم پرداخته است.

1-تشویق رزمندگان و برانگیختن روح حماسی در آن ها :

تشویق و تهیج رزمندگان از موضوعاتی است که در شعر جنگ مورد توجه قیصر امین پور قرار گرفته است. « شاعر تحت تاثیر فضای معنوی دفاع مقدس ، از قصه ها و تمثیل های مذهبی نیز سود می جوید و کار رزمندگان را به کار پیامبران مانند می کند ؛ از جمله در شعر « باد بی قراری » با بیان الفاظی مانند « گرگ» و « چاه » به داستان حضرت یوسف اشاره می کند و آن را با سرنوشت رزمندگان دفاع مقدس درهم می آمیزد و در این راه از استعاره های گوناگون بهره می گیرد »

( ابولقاسمی ، سیده مریم و شهلا علیه پور : ص 11)

این بوی غربت است

که می آید

بوی برادران غریبم

شاید

بوی غریب پیرهنی پاره

در باد

نه

این بوی زخم گرگ نباید باشد

من بوی بی پناهی را

از دور می شناسم

بوی پلنگ زخمی را

در متن مه گرفته جنگل

بوی طنین شیهه ی اسبان را

در صخره های ساکت کوهستان

بوی کتان سوخته را

در شام ماه

بوی پر کبود کبوتر را

در چاه

این باد بی قراری

وقتی که می وزد

دل های سر نهاده ما

بو ی بهانه ی قدیمی می گیرد

و زخم های کهنه ی ما باز

در انتظار حادثه ای تازه

خمیازه می کشد

انگار

بوی رفتن

می آید.

**4-6 شهید و شهادت**

شهید و شهادت در معارف اسلامی به ویژه در مکتب شیعه جایگاهی خاص دارند، اما کشته شدن در راه وطن و سرزمین در دیگر فرهنگ ها نیز ارزش مند است اما در ادبیات انقلاب اسلامی شهید و شهادت رنگ بوی دیگری دارد حضور در جبهه حضور در جایگاهی است که انسان ها مراحل سیر سلوک عرفانی را در آن طی می کنند و در نهایت به مقام قرب و فنای فی الله می رسند و جبهه مکانی است برای تذهیب نفس و شهید چون عارف واصلی که مستغرف است در وجه الله « تقدس شهیدان در فرهنگ و ادب پایداری ملل دیگر نیز سابقه ای طولانی و پر رنگ دارد **کاستول برتول** در کتاب « جامعه شناسی جنگ » می گوید « پرستش مردگان یکی از عوارض روانی جنگ است » و **نیچه** معتقد است : « پرستش قهرمانانی که سلاح در دست به خاک غلتیده اند به تدریج جای پرستش قدسیان را می گیرد »

(کاکایی 1380 : 20)

شهید و شهادت از پرکاربردترین درون مایه های شعر انقلاب اسلامی است « اگر به شعر انقلاب اسلامی به گونه ای باغستانی سرسبز با درختان تناور ، لاله های سرخ و آتشین و جویبارهای زمزمه گر بنگریم سه درخت سر به فلک کشیده از لحاظ موضوع سخن و در آن توجه مان را بیشتر جلب خواهد کرد. امام شهدا ، جنگ ، سه درخت تناور باغستان شعر شاعران مسلمانند و شاعران به این سه درخت تناور سر به فلک کشیده بیش از دیگر مضامین سر سبز این باغ پرداخته اند »

( حسینی ، سید حسن 1362: 159-157)

**5-6 مقام و الای شهید**

ستایش روح شهیدان و رزمندگان در شعر قیصر امین پور بسامد بالایی دارد او احترام خود را به شهدا نشان داده است و جانفشانی رزمندگان اسلام را ستایش کرده است او شهادت را در فصل دنیا ، سبز شدن در فصل آخرت می داند

خوشا چون سروها استاد نی سبز خوشا چون برگها افتادنی سبز

خوشا چون گل به فصلی سرخ مردن خوشا در فصل دیگر زادنی سبز

(امین پور ، قیصر، 1391 :359)

امین پور مقام **شهدا** را چنان والا می داند که دیگران در حسرت رسیدن به آن ها به سوگ خویش نشسته اند او سوگ واری را شایسته خود و افرادی می داند که از قافله شهدا جا مانده اند:

« من

در سوگ خویش مرثیه می خوانم

ای کاش

آن گونه عاشقانه نمی خواندند

آن گونه آسمانی

که بال های مرتعش ما را

دنبال بال خویش کشاندند

اما

با حسرت رسیدن

در بال های کال

ما را به سوگ خویش نشاندند»

( امین پور ، قیصر ، 1391 : 333)

امین پور شهدا را همچون آفتاب می داند روشنگر تاریکی ها که در جایگاهی رفیع چون خورشید قرار گرفته اند :

نوشیدن نور ناب کاری است شگفت این پرسش را جواب ، کاری است شگفت

تو گونه ی یک شهید را بوسیدی ؟ بوسیدن آفتاب کاری است شگفت

( همان : 430)

او تابوت شهدا را ، بسان کعبه های روان می بیند که بر روی دست های مردم در حال حرکت اند و مردم نیز به زیارت آن ها مشغول، شهیدان را سربلندانی می داند که زندگان را بر دوش گرفته اند :

پرواز بیکرانه کشتی ها

در ارتفاع ابر تماشایی است

بر سطح بی نهایت اقیانوس

گویی هزار کشتی کوچک

با بادبان کج شده می رانند

رفتار کعبه های روان

بر شانه های صبر تماشایی است

بر شانه های ای کاش

بر شانه های اشک

بر شانه های همهمه و فریاد

آه ای کجاوه های معلق

در باد

ای کعبه های کوچک چوبی

ما زایر ضریح شما هستیم

اما شما

این گونه در طواف

که هستید ؟

آیا

بر شانه های ما

این فوج پر شکسته شمائید؟

یا نه

این خیل

خسته مائیم

آیا بر شانه های ما

این قوج پر شکسته شمائید

یا نه

این خیل خسته مائیم

کاین گونه سر بلند

بر شانه های نجیب شماییم ؟

ما بر شانه شماییم

بر شانه ی شما

شهیدان مفقود الاثر

(امین پور، قیصر :1391 :318)

قیصر امین پور شعر راه ناتمام را درباره ی **شهیدان مفقود الاثر** سروده است دراین شعر رزمنده اشتیاق فراوانی برای حضور در جبهه دارد امین پور از جبهه با عنوان وادی خون یاد می کند :

آن روز

بگشوده بال و پر

با سر به سوی وادی خون رفتی

رزمنده می داند بازگشتی برای او متصور نیست او عاشق وصال معشوق است و میلی به بازگشت ندارد ،

گفتی

دیگر به خانه باز نمی گردم

امروز من به پای خود رفتم

فردا

شاید مرا به شهر بیارند

ـ بر روی دست ها ـ»

اما این شهید نه تنها جان خود را در راه معشوق فداکرده است ،جسم و کالبد زمینی خویش را نیز به پیشگاه معشوق خود ارزانی کرده ، شهیدی که راهی دارد که ناتمام مانده و این راه تنها چیزی است که از او باقی مانده و بسان میراثی به دیگر عاشقان این راه می رسد :

اما

حتی تو را به شهر نیاوردند

گفتند :

« چیزی از او به جای نمانده است

جز راه ناتمام »

( امین پور ، قیصر ، 1391 : 369)

**6-6 حیات جاودانه شهید**

دیدگاه قیصر امین پور نسبت به شهادت سرچشمه از معارف اسلامی می گیرد از دیدگاه او افتادن شهید برخاک نشانه ی زوال و مرگ نیست بلکه حیات درباره ای را در پی دارد و اشاره دارد به آیه ( 169 سوره آل عمران ):

« ولا تَحسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ اَمرا تابل احیاءُ عِندَ رّبِهّهم یُرزَقُون»

« البته نپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود»

و قیصر امین پور نیز با توجه به دیدگاه های اسلامی خود بر این باور است:

افتاد

آنسان که برگ

آن اتفاق زرد

می افتد

افتاد

آنسان که مرگ

آن اتفاق سرد

می افتد

اما او سبز بود و گرم که

افتاد

( امین پور ، قیصر ، 1391 : 372)

از دیدگاه قیصر هر چند شهید در خون خود می غلتد و به زمین می افتد اما این ابتدای رویش و زندگی است این شعر تداعی کننده آیه ی فوق است :

هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد

اما

این ابتدای سبزی او بود

( همان : 1381)

مقام شهید چون در مرتبه ای است که در عشق و محبت و قرب خداوند مستغرق است لذا جایگاهش در این دنیای فانی نیست. امین پور سرمنشاء وجودی شهیدان را نور الهی می داند :

« خود را چوز نسل نور می نامیدند رفتند و به کوی دوست آرامیدند

سیراب شدند زانکه در اوج عطش آن حادثه را به شوق آشامیدند »

(همان : 437)

آنها رفتگان ماندنی تاریخ هستند ، نام های که هیچ گاه فراموش نمی شوند ، وفاداران به عهد ازلی که در پیشگاه خداوند و در ذهن تاریخ و مردم جاودانه شده اند :

ماندند به عهد خویش و رفتند رفتند ولی همیشه ماندند

( همان : 404)

مقام شهید از نگاه قیصر امین پور آنقدر بالاست که باید آنها را با نور غسل داد، شهیدانی که همچون چشمه های زلال هستند، آری غسل آب زلال با آب کاری اشتباه است :

« شهیدان را به نور ناب شوییم درون چشمه مهتاب شوییم

شهیدان همچو آب چشمه پاکند شگفتا آب را با آب شوییم ؟»

( همان : 456)

**7-6 جوانان و نوجوانان شهید**

امین پور جوانان انقلابی را که در جبهه ها حضور دارند و جان فشانی می کنند اسطوره های می داند که بی بال پرواز می کنند ، بی پروایانی که با بال شهادت می پرند ، پروانه گان سوخته راه معشوق که نه، به ولایت غیر خدا گفته اند و دعوت حق را لبیک :

« اسطوره بی بال پریدن ماییم پروانه ی بی پریم و بی پرواییم

لاگوی خدایان و بلی گوی خدا ماییم که در حجم زمان تنهاییم »

( امین پور ، قیصر ، 1391 : 448)

حضور نوجوانان و جوانان در جبهه یکی از ویژگی های جنگ تحمیلی ایران است و داستان های زیادی از این عشق و شور نقل شده است امین پور این نوجوانان را به غنچه های پرپری تشبیه کرده که در عین پر پر شدن لبی خندان دارند، نوجوانانی که راز حیات جاودان را از مکتب حسین فهمیده های جبهه فهمیده اند :

« تو همچون غنچه های چیده بودی که در پر پر شدن خندیده بودی

مگر راز حیات جاودان را تو از فهمیده ها فهمیده بودی ؟»

( همان : 484)

امین پور در شعر ( **مدرسه منهای چهار** ) از دفتر ( **مثل چشمه مثل رود** ) فضای مدرسه ای را بدون شاگردان شهیدانش توصیف می کند، مدرسه ای منهای بهار مدرسه ای که شاگردانش در پی حل مساله ای دشوار هستند ، حاصل مدرسه منهای چهار شهید آن :

« فصل گل بود و بهار

فصل پر نقش و نگار

باد و بی رحم و نگار

باد بی رحم خزان

ناگهان از سر دیوار پرید

و بر این باغ وزید

بهترین گل ها را

از دل باغچه چید

چارگل ، چار شهید

همه ی مدرسه ی ما غم بود

چار تا غنچه ی سرخ

در دل باغچه ی سرخ

در دل باغچه ی ما کم بود

من به خود می گفتم :

باید این مساله را حل بکنیم

حاصل مدرسه منهای چهار

می شود : مدرسه منهای هزار

می شود مدرسه منهای بهار

باید این مسئله را حل بکنیم

من به دنبال قلم می کشتم

پدرم نیز به دنبال تفنگش می گشت . »

(همان : 488)

**8-6 انتقاد از منتقدان شهادت**

قیصر امین پور در اشعارش همچون دیگر شاعران انقلاب بی تفاوتی سست گامان را نسبت به جنگ و آرمان های انقلاب نکوهش می کند و مورد انتقاد قرار می دهد « اوج این نوع سرودن و اعتراضی و دلتنگی در سال های 44 تا 68 است و بعدها نیز به صورت ملایم و آرام با شیبی نرم ادامه می یابد این نوع سرودن تقریباً در سال های پایانی دهه ی هفتاد رو به افول می نهد»

( سنگری 1380 : 40)

قیصر این افراد را به دیوار تشبیه می کند دیوارهای سنگی سیار ،کسانی که نسبت به جنگ و شهادت بی تفاوت هستند و تنها در بند زندگی خویشتنند:

« این حرف های داغ دلم را

دیوار هم توان شنیدن نداشته است

آیا تو را توان شنیدن هست؟

دیوار

دیوار سرد و سنگی سیار

آیا رواست مرده بمانی

در بند آنکه زنده بمانی ؟ »

( امین پور قیصر 1391 : 388)

او انسان های که در این فضا تنفس می کنند و با مردم ایثارگر همدم هستند اما بی تفاوت نسبت به واقعه های پیرامون خود، مانند علف های هرز می داند که در کنار گل های باغ روئیده اند :

« هان ای گیاه هرزه که با لاله همدمی روخار باش خار به از هرزه بودن است »

(همان : 395)

و یا :

« در این کرانه که باران داغ می بارد به چشم ما گل بی داغ کمتر از خاراست »

( همان : 342)

قیصر امین پور به شاعران بی غمی که شهادت و جان فشانی جوانان این وطن این عشاق واقعی بر ایشان اهمیتی ندارد و در شعر و قلم آنها جایگاهی برای آنها در نظر گرفته نشده و شاعرانی که همچنان در بند آه و ناله برای عشق و طره معشوق و فراق هستند اینچنین می گوید :

« ما که این همه برای عشق

آه و ناله دروغ می کنیم

راستی چرا

در رثای بی شمار عاشقان

که بی دریغ

خون خویش را نثار عشق می کنند

از نثار یک دریغ هم

دریغ می کنیم ؟ »

( همان : 129)

و در جای دیگر به این شاعران که هنوز به فکر زندگی خود هستند و تنها درجایی که اقتضا کند شاعران خلق می شوند اینچنین می گوید :

« غم می خورند شاعرکان مثل آب نان اما دریغ جز غم خوردن نمی خورند »

( همان : 182 )

امین پور **منتقدان شهادت** را کافر می داند و حتی سوال درباره ی این موضوع را جایز نمی داند :

« مپرس از دل خود « لاله ها چرا رفتند » که بوی کافری از این سوال می آید »

( همان : 396)

شعر پر پر شگفتن از دفتر گل ها همه آفتابگردانند از دیگر شعرهای است که در آن قیصر به انتقاد ملامت کنندگان مکتب شهادت پرداخته است « در این شعر مفهوم شهادت جوانان ، مطرح است و طعنه ملامت کنندگان که شهادت را ، راه نابودی و زردی می پندارند ، اما نام شعر که اشاره دارد به شکوفایی در عین پر پر شدن ، پاسخی است به این گونه طعنه ها »

( موحد 1387 : 77)

وقتی آن دستهای بی سرانجام

لبخندهای رو به فردا را

از شاخه چیدند

و سیب های سبز

در باغ های رو به باران

بر خاک افتادند

شنها

رگبرگ های رو به زردی را

از چشم ما دیدند.

**9-6 شهادت طلبی**

شهادت طلبی یکی از مولفه های انقلاب اسلامی محسوب می شود و در ادبیات انقلاب اسلامی از بسامد بالایی برخوردار است . در اشعار قیصر امین پور نیز شهادت طلبی این آرمان انقلابی موج می زند و از آن به « جاودانه ترین طرز بودن » تعبیر می شود :

« کو عمر خضر رو طلب مرگ سرخ کن کاین شیوه جاودانه ترین طرز بودن است »

( امین پور ، قیصر 1391 :395)

او زندگی کردن را نیت نیکویی می داند اما شهادت را بالاتر از زندگی و بودن می داند :

« اگرچه نیت خوبی است زیستن اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم »

( همان : 406)

نمونه ی دیگر :

« هرجا که سر زدم همه در مرز بودن است کو مرز تازه ای که فراتر از بودن است »

( همان : 395)

و شهید از مرتبه ی شهادت آگاه است لذا با پیروی از مکتب سرخ شیعه و **امام حسین (ع)** تمام دارای خود را فدای معشوق می کند :

وقتی که لحظه ، لحظه ی رفتن بود.

آن سبز با سخاوت خورشید

بخشید هر چه داشت

جز آن لباس سبز

ونقش آن کلام الهی را »

( همان 380-381)

**10-6 خانواده شهیدان**

امین پور در اشعارش به خانواده ی شهیدان و رزمندگان، بی قراری و شوق دیدار خانواده ی رزمندگان و صبر و شکیبایی خانواده شهدا پرداخته است و با آن ها همراه و هم درد شده است :

« بیا به خانه ی آلاله ها سری بزنیم زداغ با دل خود حرف دیگری بزنیم

به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوییم سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم »

(امین پور ، قیصر ، 1391 : 406)

امین پور در شعر « اتفاق ساده » آمدن نامه از طرف رزمنده ای را نشان می دهد و شوق خانواده اش آن را و دلتنگی آنها را به تصویر می کشد :

« وقتی که نامه ات را مادر برای ما خواند

باران پشت شیشه آرام و بی صدا ماند

در آن نوشته بودی حال تو خوب خوب است

گفتی که سنگرما در جبهه ی جنوب است

گفتی که ما همیشه در سایه ی خداییم

گفتی که ما قرار است این روزها بیاییم

از شوق سطر آخر مادر بلند خندید

چشمان مهر بانش برقی زد و درخشید»

(همان : 518)

او دلتنگی کودک را از نبود پدر به تصویر می کشد و سوالی همیشگی از مادر و جوابی از زبان مادر آمدن و بازگشت پدر زمانی است که بهار می رسد و مادر بازگشت او را به بهار تشبیه می کند :

« پس پدر کی ز جبهه می آید ؟ باز کودک زمادرش پرسید

گفت مادر به کودکتش که بهار غنچه ها و شکوفه ها که رسید »

(همان : 476)

او در شعری دیگر چشم انتظاری خانواده ی رزمندگان را اینگونه بیان می کند :

(( کودک

با گربه هایش در حیاط خانه بازی می کند

مادر ، کنار چرخ خیاطی

آرام رفته در نخ سوزن

عطر بخارچای تازه

در خانه می پیچد

صدای در

شاید پدر ))

(همان : 15)

امین پور خانواده رزمندگان و شهدا را انسان های می داند که بالاتر از زمان ایستاده اند، با ایمانی راسخ گریستن را فراموش کرده اند و در بدرقه ی رزمندگان خود با اینکه از شهادت آنها آگاه هستند لبخند می زنند آنها که به **حضرت زینب** اقتدا کرده اند چون او چیزی جز زیبایی ندیده اند:

(( این زن که بود

که بانگ خوالیگر محلی را

از یاد برده بود

با گردنی بلندتر از حادثه

بالاتر از تمام زنان ایستاده بود

و بادلی وسیع تر از حوصله

در ازدحام و همهه کل می زد ؟

این مادر که بود که می خندید ؟

وقتی که لحظه ، لحظه ی رفتن بود »

( همان : 380)

امین پور **خانواده ی شهدا** را اسطوره های صبر و ایستادگی می نامد و شانه های آنها را در زیر تابوت های فرزندانشان تشبیه به شانه های صبر می کند :

« رفتار کعبه های روان

بر شانه های صبر تماشایی است »

( همان : 318)

**11-6 جانبازان**

شعر قرارداد از دفتر گل ها همه آفتابگردانند در ستایش جان فشانی ها و دلیری های جانبازان و رزمندگان سروده شده است :

« ای درخت آشنا

شاخه های خویش را

ناگهان کجا

جا گذاشتی ؟

یا به قول خواهرم فروغ :

دست های خویش را

در کدام باغچه

عاشقانه کاشتی ؟

این قرارداد ؟ تا ابدمیان ما

برقرار باد :

چشم های من به جای دست های تو

من به دست تو

آب می دهم

تو به چشم من

آبرو بده

من به چشم های بی قرار تو

قول می دهم :

ریشه های ما به آفتاب می رسد

ما دوباره سبز می شویم »

(همان : 114-115)

**12-6 حمله دشمن**

امین پور روزهای جنگ و حمله هوایی دشمن و موشک باران را در ( شعری برای جنگ ) با جزئیات به تصویر کشیده او هواپیماهای دشمن را به خفاش های وحشی تشبیه کرده که از نور روزنه ها بیزار هستند و با این تشبیه خاموشی هنگام حمله ی هوای را نشان داده است :

« خفاش های وحشی دشمن

حتی زنور روزنه بیزارند

باید تمام پنجره ها را

با پرده های کور بپوشانیم »

( همان : 384)

و مردم هر شب را در انتظار مرگ خویش به دست دشمن به سر می برند :

« اینجا

هر شام خامشانه به خود گفته ایم :

شاید

این شام ، شام آخر ما باشد

اینجا

هر شام خاموشانه به خود گفته ایم

امشب

در خانه های خاکی خواب آلود

جیغ کدام مادر بیدار است

که در گلو نیامده می خشکد ؟ »

(همان 385)

در این شعر قیصر امین پور به شکلی حمله دشمن را به تصویر می کشد که گاه دیگر انسان طاقت خواندن شعر را ندارد :

« باور کنید

من با دو چشم مات خودم دیدم

که کودکی زترس خطر تند می دوید

اما سری نداشت

لختی دگر به روی زمین غلتید

و ساعتی دگر

مردی خمیده پشت و شتابان

سر را به ترک بند دوچرخه

سوی مزار کودک خود می برد

چیزی درون سینه او کم بود....»

(همان: 387)

قیصر امین پور شعری نیز درباره حمله شیمیایی دشمن سروده است و از سکوت جوامع دیگر، و از سکوت رسانه های خبری شکوه کرده است : اخبار تازه را نشنیدی /گفتند : /وضع هوا خراب است /گفتند : آسمان همه جا ابری است /گفتند : /از سقف های کاذب سربی /باران زرد/باران شیمیایی /می بارد /گفتند : /گل های شرحه شرحه های ما را /با داغ های کهنه ما در زاد /تشریح می کنند /گفتند ../اما /با این همه خبر/در عصر شب /در عصر خستگی /در عصر بی عصب/در روزنامه ی عصر/از شرح حال ما اثری نیست /در عصر خواب و خلسه و خمیازه/در عصر آخرین خبر تازه /از نام ما/در روزنامه ها خبری نیست. »

(همان: 331)

1. **اشعار پس از جنگ**

اشعار پس از جنگ قیصر امین پور به دو دسته تقسیم می شوند اشعاری که درد واره های شاعر هستند از جاماندن از قافله شهدا و از بین رفتن آرمان ها تا رسیدن به اشعار ضد جنگ عده ای می گویند اشعار پس از جنگ امین پور مثل « **طرحی برای صلح** » متفاوت از اشعار قبلی او هستند و انکار جنگ از آن ها بر می آید و حتی بر این باورند که قیصر از شعر جنگ به شعر ضد جنگ روی آورده است :

« شهیدی که بر خاک می خفت

چنین در دلش گفت:

اگر فتح این است

که دشمن شکست

چرا همچنان دشمنی هست ؟ »

(امین پور ، قیصر 1391: 16)

و در شعری دیگر که از او از زبان شهید پیروزی واقعی را در جنگ نه که بر جنگ می داند :

« شهیدی که بر خاک می خفت

سرانگشت در خون خود می زد و می نوشت

دو سه حرف بر سنگ

به امید پیروزی واقعی

نه در جنگ

که بر جنگ »

(همان: 17)

او عدم توجه به خداوند و زیاده خواهی انسان ها را عامل جنگ می داند و انسان را مخاطب خود قرا می دهد :

تمام زمین جای جولان توست بگو جا برای تو تنگ است باز ؟

نه تنها زمین ، آسمان مال توست نیازی به شمشیر و جنگ است باز؟

(همان : 520)

« قیصر امین پور را باید بر جسته ترین شاعر دفاع مقدس بدانیم و می توان گفت بزرگان ادب معاصر از تمام جناح ها به این مساله اذعان دارند. قیصر پیشرو شاعران انقلاب بوده و به قول یکی از دوستانش همیشه در لوکوموتیو قطار شعر انقلاب و دفاع مقدس بوده است . .............شعر قیصر ، سیری تکاملی داشت و افق های روشنی را نوید می داد. هر چند گفته می شود تحول شعر او پس از پایان جنگ آغاز شده بود ، در حقیقت سیر تحول در شعر قیصر ، همیشگی بوده و درگذر زمان رخ داده است »

(صرفی ، محمدرضا ، 1390 : 345)

1. **اعتراض و انتقاد در اشعار قصیر امین پور**

شعر اعتراضی یکی از گونه هایی بود که در شعر دفاع مقدس پدیدار گشت ((شعر اعتراض)) بیشتر در غزل نمود یافت، غزل اعتراضی پس از جنگ در اعتراض به فراموش شدن آرمان ها و بروز و ظهور بعضی از عناصر نالایق پدیدار گشت این اعتراض اما محدود به غزل نماند. اما شعر اعتراض قیصر امین پور شاید بیشتر به گلایه و انتقاد نزدیکتر باشد:

اگر داغ دل بود، ما دیده ایم

اگر خون دل بود، ما خورده ایم

اگر دشنه ی دشمنان ، گردینم

اگر حنجر دوستان ، گرده ایم

(امین پور:314)

گاه اعتراض قیصر امین پور به منتقدین جنگ است و گاه اعتراض او به سکوت شاعران نسبت به جنگ ( ر. ک بررسی اشعار دفاع مقدس ) و گاه این انتقاد به هنرمندانی است که آزادی و سخن خود را می فروشند:

این حنجره این باغ صدا را نفروشید

این پنجره ، این خاطره ها را نفروشید

در شهر شما باری اگر عشق فروشی است

هم غیرت آبادی ما را نفروشید

در دست خدا آینه ای جز دل ما نیست

آینه شمایید، شما را نفروشید

در پیله پروانه بجز کرم نلولد

پروانه پرواز رها را نفروشید

یک عمر دویدیم و لب چشمه رسیدیم

این هروله سعی و صفا را نفروشید

دور از نظر ماست اگر منزل این راه

این منظره درو نما را نفروشید

(همان:66)

امین پور نسبت به **بی اعدالتی های اجتماعی**، **خفقان** و **مشکلات اجتماعی** جامعه نیز ساکت نمی نشیند:

(( حنجره ها روزه ی سکوت گرفتند.

پنجره ها تار عنکبوت گرفتند

عقده ی فریاد بود بغض گلوگیر

بهت فصیح مرا سکوت گرفتند

خط خطا بر سرود صبح کشیدند

روشنی صفحه را خطوط گرفتند))

(همان : 295)

او در شعری با استفاده از تناسب واژگانی چون (( کتابخانه و مطالعه و هیس)) به تصویر پردازی سکوت و وحشت و خفقان اشاره می کند ،و اعتراض خود را بیان می کند:

ما بی صدا مطالعه می کردیم

اما کتاب را که ورق می زدیم

تنها

گاهی به هم نگاهی

ناگاه

انگشتهای (( هیس!))

ما را

از هر طرف نشانه گرفتند

انگار

غوغای چشمهای من و تو

سکوت را

در آن کتابخانه رعایت نکرده بود!

(همان: 9)

انتقاد از زندگی شهری و ماشینی و ستایش از پاکی و اصالت زندگی روستایی از دیگر گونه های شعر انتقادی قیصر امین پور است . دیدگاهی که همواره مورد توجه بسیاری از شاعران معاصر قرار گرفته است:

(( لحظه های کاغذی را، روز و شب تکرار کردن

خاطرات بایگانی، زندگی های اداری

آفتاب زرد و غمگین، پله های روبه پائین

سقف های سرد و سنگین، آسمانهای اجاری.

عصر جدول های خالی، پارکهای این حوالی

پرسه های بی خیالی، نیمکت های خماری))

(همان:187)

1. **من های شعری قیصر امین پور**

(( نوع عواطف هر کسی سایه ای است از (( **من**))او، (( **من**))ها را می توان در سه گروه عمده تقسیم کرد: (( **من**))های فردی (( **من**))های اجتماعی و من های بشری و انسانی))

(شفیعی کدکنی، 1383)

من شعری شاعر موضوعی است که در اشعار قیصر امین پور قابل توجه است که در آثار مختلف او متغیر است. گاه در یک دوره (( **من**)) شاعر فردی و گاه اجتماعی و دوره ای(فردی ، اجتماعی و بشری) است. ما در اینجا سیر تحول (( **من**)) های شاعر را به مرور زمان بررسی می کنیم.

در مجموعه (( در کوچه ی آفتاب)) قیصر امین پور که در سال 1363 منتشر شد محور اصلی(( **من**)) های شاعر(( اجتماعی)) است. او در زمانی این کتاب را به چاپ رساند که فضای کشور را جهاد و شهادت و جنگ و ایثار و رشادت پر کرده بود و شاعر در این عصر نمی توانسته نسبت مسائل روز جامعه بی تفاوت باشد. بنابراین در این سال ها (( **من**)) اجتماعی شعرهای او بسیار پر رنگ است. او از جامعه ای می سراید که در حال جانبازی و سوختن است و شهادت و جانبازی سرود لب های مردمان آن است:

(( آهنگ و سرود لبتان سوختن است

اندیشه ی روز و شبتان سوختن است

این چیست میان تو و پروانه و شمع

کز روز ازل مذهبتان سوختن است ))

(امین پور، قیصر، 1391 : 439)

او در این مجموعه علاوه بر اجتماع نگاهی هم به مذهب و دین و عرفان داشته است که باز هم توجه به جامعه است ، جامعه ای که برای دین و مذهب به پاخاسته است.

اما بعد از این مجموعه ، مجموعه (( تنفس صبح))منتشر می شود که باز عواطف و احساسات موجود در این شعر با توجه به فضای آن روز کشور همانند دفتر (( در کوچه ی آفتاب))است . اما گویا تأثیر عاطفی این اثر بیشتر است او در این مجموعه (( شعری برای جنگ))را می سراید که به جرأت تأثیر گذارترین شعر دفاع مقدس است و اوج (( **من**))اجتماعی شاعر است:

(( من با دو چشم مات خودم دیدم

که کودکی ز ترس خطر تند می دوید

اما سری نداشت

لختی دگر به روی زمین غلتید

و ساعتی دگر

مردی خمیده پشت و شتابان

سر را به ترک بند دوچرخه

سوی مزار کودک خود می برد.!! ))

(همان:382)

((**من**))های اجتماعی قیصر امین پور در این مجموعه را همدردی با خانواده شهدا، شهادت، حمله دشمن، کودکان بی دفاع تشکیل می دهد.

اما مجموعه بعدی قیصر (( آینه های ناگهان)) تحول کیفی و کمی او را بازتاب می دهد تفکر و اشعار او در این دفتر در ساختاری نو عرضه می گردد. ((**من**)) شعری او در این مجموعه با دو مجموعه قبلی او تفاوت دارد. در این دفتر ((**من**)) فردی شاعر گسترش پیدا می کند. در عین حال که رد پایی از من اجتماعی شاعر هم دیده می شود. گاهی شاعر از ((**من**)) یک گروه از انسانها را مدنظر دارد و گاهی صرفاً ((**من**)) شخصی را در نظر دارد. مانند شعرهای جرات دیوانگی ، رفتار من عادت است، سطر سپید، قاف و ... :

(( دیشب دوباره

گویا خودم را خواب دیدم:

در آسمان پر می کشیدم

و لابه لای ابرها پرواز می کردم

و صبح چون از جا پریدم

در رختخوابم

یک مشت پر دیدم

یک مشت پر، گرم و پراکنده

پایین بالش

در رختخواب من نفس می زند

آن گاه با خمیازه ای ناباورانه

بر شانه های خسته ام دستی کشیدم

بر شانه هایم

انگار جای خالی چیزی...

چیزی شبیه بال

احساس می کردم ))

(همان:337)

من شاعر در این گونه شعرها ((**من**)) شخصی است . شاعر از خود می گوید و در خود می ماند و گاهی با عبور از خود به اجتماع نزدیک می شود . برخی از شعرهای این مجموعه اما بیان مستقیم دردو رنج مردمی است که شاعر آن را می فهمد:

(( دردهای من

گرچه مثل دردهای مردم زمانه نیست

درد مردم زمانه است

مردمی که چین پوستینشان

مردمی که رنگ روی آستینشان

مردمی که نام هایشان

جلد کهنه شناسنامه هایشان درد می کند ))

(همان:241)

و گاهی نیز این من کاملاً اجتماعی می شود. او در شعر (( باران زرد)) به حمله شیمیایی دشمن و کشتار مردم بی دفاع و مظلومیت آنها می پردازد:

اخبار تازه را نشنیدی؟

گفتند :

وضع هوا خراب است

گفتند: آسمان همه جا ابری است

گفتند:

از سقف های کاذب سربی

باران زرد

باران شیمیایی

می بارد

گفتند:

گل های شرحه شرحه ی ما را

با داغ های کهنه مادر زاد

تشریح می کنند

گفتند...

اما با این همه خبر

در عصر شب

در عصر خستگی

در عصر بی عصب

در روزنامه ی عصر

از شرح حال ما اثری نیست

در عصر خواب و خلسه و خمیازه

در عصر آخرین خبر تازه

از نام ما

در روزنامه ها خبری نیست

(همان:321)

قیصر امین پور پس از 8 سال در سال 1380 (( گل ها همه آفتابگردانند)) را به چاپ می رساند ((**من**)) شاعر در این مجموعه من شخصی و فردی و تعداد قابل توجهی از اشعار حدیث نفس است و گاهی نیز شاعری که در خود خزیده به اجتماع نزدیک می شود.

اما

با این همه

تقصیر من نبود

که با این همه ...

با این همه امید قبولی

در امتحان ساده تو رد شدم

اصلاً نه تو، نه من

تقصیر هیچ کس نیست

از خوبی تو بود

که من

بد شدم

(همان:160)

در این دفتر اعتراض، نگرانی، خشم و رنج و درد شاعر را به راحتی می توان دریافت کرد:

صف

انتظار

صف

امضا

شماره

امضا

فردا دوباره

صف

انتظار

امضا

شماره

ای کاش باد...

ای کاش باد این همه کاغذ را

می برد!

ای کاش باد

یا

یک ذره اعتماد...

(همان:169)

گاهی هم من فردی شاعر به من بشری و انسانی تبدیل می شود.

خدا روستارا

بشر شهر را

ولی شاعران آرمان شهر را آفریدند

که در خواب هم خواب آن را ندیدند.

(همان:154)

در دو مجموعه آینه های ناگهان و گل ها همه آفتابگردانند عواطفی چون مرگ، یأس، سرخوردگی دیده می شود که در دو مجموعه اول بروز و ظهور نیافته اند. مرگ در دو دفتر اول مرگ سرخ و شهادت است و مفهومی فراتر از مرگ دارد.

دستور زبان عشق آخرین مجموعه شعری قیصر در سال 1386 به چاپ می رسد که در کمتر از یک ماه به چاپ دوم می رسد پختگی و کمال شعری قیصر امین پور در این مجموعه به اوج می رسد. ((من**))** شعری شاعر در این دفتر، من شخصی و فردی است که می توان در آثاری چون : رویای آشنا، فوت و فن عشق، حرمت درد، سفر در آینه و ... مشاهده کرد:

قطار می رود

تو می روی

تمام ایستگاه می رود

و من چقدر ساده ام

که سال های سال

در انتظار تو

کنار این قطار رفته ایستاده ام

و همچنان

به نرده های ایستگاه رفته تکیه داده ام.

(همان:7)

امین پور در دستور زبان عشق من شعرهایش را اینگونه توصیف می کند:

دلم را ورق می زنم

به دنبال نامی که گم شد

در اوراق زرد و پراکنده این کتاب قدیمی

به دنبال نامی که من...

* من شعرهایم که من هست و من نیست...

به دنبال نامی که تو...

* توی آشنا – ناشناس تمام غزلها

به دنبال نامی که او...

به دنبال اویی که کو؟

(همان:19)

1. **مفهوم آزادی**

خداوند انسان را آزاده آفریده و **آزادی** یک هدیه الهی و از مهمترین مقوله های زندگی انسان آیت با تحولاتی که در قرون اخیر در زندگی بشریت روی داده نقش آزادی در حیات اجتماعی بارزتر شده است.**آزادی** مقوله ای است که از دیرباز مورد توجه متفکران عالم بوده . **سارتر** آزادی را قدرت و موهبتی می داند که بشر به یُمن آن می تواند خود و جهان را تغییر دهد(پل سارتر،ژان،(1356) ادبیات چیست)

آزادی باعث پیشرفت سیاسی و اجتماعی می شود و به قول **جان استوارت میل** (( پیشرفت سیاسی و اجتماعی تنها در نتیجه ی بهتر شدن افراد ممکن است صورت گیرد و بهتر شدن افراد تنها بدان ترتیب ممکن است که **آزادی** داشته باشند))

(هابز، تامس و دیگران(1379))

**1-10 آزادی در ادبیات**

در ادبیات کلاسیک سخن از آزادی بسیار رفته است و بیشتر مترادف با معنای آزادگی است آزادی و رهایی از بند وابستگی ها و تعلقات جهانی و دنیایی . اما در ادبیات دوره ی جدید با ظهور **انقلاب** **مشروطه** آزادی در مفهوم غربی آن به کار رفته است. آنچه از مفهوم آزادی در دوره ی مشروطه یاد می شود. مترادف با حاکمیت قانون و نظام سیاسی و دموکراسی غربی است:

گفتم که مگر به نیروی قانون آزادی را به تخت بنشایم(بهار)

**2-10 آزادی در اشعار قیصر امین پور**

در شعر قیصر امین پور آزادی با برداشت های مختلفی بیان شده است که هر کدام محصول شرایط اجتماعی و تاریخی دوره های زندگی او است: آزدای در مفهوم (( نجات از اسارت دشمن خارجی و جغرافیایی، آزادی در مفهوم(( رهایی از تعلقات و خواسته های نفسانی)) چون ادبیات دوره ی کلاسیک و آزادی به مفهوم اجتماعی آن همچون آزادی و رهایی انسان در معنی عام و مطلق و آزادی های فردی چون آزادی بیان و از رو می کند که ماس روز مارس چنین بود:

یک کلبه خراب و کمی پنجره یک ذره آفتاب و کمی پنجره

ای کاش جای این همه دیوار و سنگ آیینه بود و آب و کمی پنجره

(همان: 218)

قیصر به جامعه و مردم نیز اعتراض می کند که درباره ی آزادی سخنی به میان نمی آورند

اینجا همه هر لحظه می پرسند

حالت چطور است؟

اما کسی یک بار

از من نپرسید

بالت...

(همان:118)

او که از تغییر این وضعیت نا امید شده است آرزو پردازی می کند و در رویای دنیای آزادی غرق می شود و آرمانی های خود را می سراید :

((پرنده

نشسته روی دیوار

گرفته یک قفس به منقار))

(همان:32)

((پشت میله

بر کف زندان

کپه ای زنجیر!))

(همان:33)

**3-10 آزادی در مفهوم رهایی از دشمن**

قیصر امین پور در شعر((دریای آزادی)) از مجموعه مثل چشمه مثل رود به آزادی در مفهوم رهایی از اسارت دشمن متجاوز و همدستان او پرداخته است. (( دریا)) در این شعر نما و مردم ایران است که انقلابی نو پا را برای رهایی خود از بند استبداد شکل داده اند اما اکنون دشمنی دیگر می خواهد این آزادی را از آنها بگیرد و به بند بکشد فارغ از اینکه دریا در قفس نمی گنجد.

دم به دم در پهنه ی دریا موج شکلی تازه می گیرد

یک نفر با خط کشی کوچک موج را اندازه می گیرد

از پی هر موج سرگردان روز و شب بیهوده می تازد

تا بریزد موج دریا را در قفس های که می سازد

در قفس ، دریا نمی گنجد زانکه کار موج پرداز است

ما همان دریای آزادیم دشمن ما قفس ساز است

(امین پور-قیصر 473)

**4-10 آزادی به مفهوم رهایی از تعلقات و خواسته های نفسانی**

در این دسته از شعرهای امین پور آزدای به مفهوم رهیدن از خاک ودر مفهوم عرفانی آن ((رهایی انسان از تعلقات )) مورد توجه قرار گرفته این برداشت عرفانی از آزادی ریشه در فرهنگ اسلامی و شیعی دارد که آزادی را رهایی از بند و تعلقات و نفسانیات می داند:

چه می شد اگر مثل پروانه ها کمی دست و پای دلت باز بود

به هر جا دلت خواست سر میزدی از این خاک امکان پرداز بود

( امین پور، قیصر:529)

او زندگی در این دنیا را چون زندان می داند و رسیدن به معشوق ازلی را آزادی واقعی:

دگر این دل سر ماندن ندارد هوای در قفس خواندن ندارد

چنان در دوز دنیا دلم سوخت که دیگر بار سوزاندن ندارد

(امین پور، قیصر:452)

امین پور دربند بودن انسان ها را عدم آگاهی از آن سوی آسمان می داند و از جهل انسان به عنوان مانع پرداز و عروج یاد می کند:

اگر باخبر بودی از آسمان به روی زمین این خبرها نبود

اگر خانه پر بود از پنجره نیازی به این قفل و درها نبود

اگر باخبر باشی از آسمان همه آفتابی و مهتابی اند...

(همان:529)

به اعتصاد امین پور خداوند **آزادی** را به عنوان موهبتی به انسان ارزانی داشت تا در آسمان رها باشد. اما انسان ها خود قفس تنک ستم را ساختند و خود را دربند کردنند:

چرا مردم قفس را آفریدند؟ چرا پروانه را از شاخه چیدند؟

چرا پروانه ها را پر شکستند؟ چرا آوازها را سر بریدند؟

پس از کشف قفس پرواز پژمرد سرودن بر لب بلبل گره خورد

کلاف لاله سر در گم فرو ماند شکفتن در گلوی گل گره خورد

خدا پر داد تا پرواز باشد گلویی داد تا آواز باشد

خدا می خواست باغ آسمان ها به روی ما همیشه باز باشد

خدا بال و پر پروازشان داد ولی مردم درون خود خزیدند

خدا هفت آسمان باز را ساخت ولی مردم قفس را آفریدند

(همان:504)

**5-10 آزادی های اجتماعی**

امین پور جامعه ایده آل خود را که در آن تمام وجوه آزادی رعایت می شود را در شعر روز ناگذیر ترسیم می کند آزادی که با آمدن موعود تحقق می یابد:

(( آن روز

دیوار باغ مدرسه کوتاه است

تنها

پرچینی از خیال

در دور دست حاشیه ی باغ می کشند

که می توان به سادگی از روی آن پرید))

(همان : 239)

او در اشعار خود به خفقان اجتماعی و عدم آزادی اشاره می کند. ورق خوردن برگ های کتاب که نشانه ی تبادل اطلاعات است برای بسیاری قابل تحمل نیست در جامعه ای که انسان ها را وادار به سکوت می کنند:

((ما بی صدا مطالعه می کردیم

اما کتاب را که ورق می زدیم

تنها

گاهی به هم نگاهی...

ناگاه

انگشت های ((هیس))

ما را

از هر طرف نشانه گرفتند))

(همان:9)

((هرچه به سال های پایانی دهه ی هفتاد نزدیک می شویم برداشت شاعر از آزادی اجتماعی تر می گردد))

(ابوالقاسمی، سیده مریم – علیه پور، شهلا(14) : مجله تاریخ ادبیات)

او در قطعه ی (( دنیای راه راه)) به عدم آزادی در جامعه اشاره می کند و دنیای انسان های آن را دنیای اسارت بار با تمام ویژگی های یک زندان توصیف می کند:

((جامه راه راه

ای جامه راه راه

میله های روبه رو

راه راه

پشت سایه روشن مژه، نگاه

راه راه

روی شانه ها

راه راه تازیانه ها))

( همان:158)

در این جامعه خفقان زده و سرما گرفته که در آن **آزادی اجتماعی** وجود ندارد. حال شاعر هم اینگونه است:

(( گفت احوالت چطور است

گفتمش عالی است

مثل حال گل

حال گل در چنگ چنگیز مغول)) (همان: 161)

یا: این روزها که می گذرد شادم

زیرا

یک سطر در میان

آزادم

و می توانم هر طور و هر کجا که دلم خواست

جولان دهم

در بین این دو خط

(همان:25)

و در این جامعه دیگر حق آزادی بیان نیز ندارد:

می خواستم بگویم

گفتن نمی توانم

آیا همین که گفتم

یعنی

این که گفتم؟

(همان:27)

1. **اشعار آیینی و مذهبی**

(( شعر حماسی و دینی مولود زندگی اجتماعی است و طبعاً جنبه ی اجتماعی دارد. مدح و ثنا نیز دارای هدف اجتماعی هستند و غایت آن ها این است که در بین طبقات و افراد مختلف اجتماعی رواج و انتشار بیابند)) (زرین کوب، عبدالحسین 1354: 43 – 44) بنابراین اشعار آیینی نیز می تواند دیدگاه اجتماعی یک شاعر را بیان کند، شعر آیینی شعری است که متأثر از آموزه های دینی باشد و دینی داشته باشد

(( شعر آیینی و مذهبی توسط تنی چند از شاعران انقلاب همچون **موسوی** **گرمارودی**، **سفرالله مردانی**، **سید حسن حسینی** و **قیصر امین پور** به اوج رسید که از جمله ویژگی های بارز آن دور شدن از بیان صرفاً احساسی و توصیف و بیان علّت و فلسفه ی وجودی این مفاهیم است))

(ابولقاسمی مریم، علیه پور، شهلا، مجله تاریخ ادبیات : شماره 3/63 :25)

قیصر در مجموعه های نخستین خود به اندیشه های دینی بیشتر توجه داشته است در اشعار آیینی قیصر عشق و عرفان و حماسه با هم در آمیخته اند ( اشعار آیینی او در فضای به دور از شعار زدگی سروده شده است(( قیصر در اشعار آیینی خود به عنصر حماسه، بهای بیشتری داده است و می دانیم که در هر اثر تراژیک ، حماسه باید از ارکان باشد. پس از عنصر حماسه، به عنصر عرفان توجه دارد و در این زمینه از **محتشم** نیز پیشتر رفته است. در شعر محتشم ، عنصر عرفان از عشق و حماسه کم رنگ تر است. قیصر تنها شاعر آیینی است که در شعر خود، عشق ، عرفان و حماسه را برابر و در شادوش به کار می گیرد.))

( موسوی گرمارودی 1386 : 218)

بعثت **حضرت رسول** و شهادت **امیرالمؤمنین** و توصیف شخصیت ایشان ، شهادت **امام حسین** و دلیری یارانش ، **حضرت زهرا(س) امام حسن** و توصیف شخصیت **حضرت زینب(س)،** **امام** **زمان** و مسأله ی انتظار را می توان از مضامین شعر آیینی قیصر امین پور دانست.

در بخش سوم نگاه امین پور به آزادی ، آشکارا اعتراض هایی نسبت به عملکرد اجتماعی و فقدان آزادی در جامعه دیده می شود.

قیصر در مثنوی ((نی نامه)) خود روز عاشورا و لحظه های شهادت و وصال ایشان را به تصویر کشیده است ((نی))در این مثنوی بیانگر یک انسان کامل است نوای نی در این شعر، نمادی از شخصیت عاشق امام حسین (ع) است که غم او غم جدایی از معشوق ازلی است :

(( پر از عشق نیستان سینه ی او غم غربت ، غم دیرینه ی او

غم نی بند بند پیکر اوست هوای آن نیستان در سر اوست

دلش را با غریبی ، آشتایی است به هم اعضای او وصل از جدایی است))

(امین پور ، قیصر،1391،394)

واما قیصر شعری در مدح حضرت زینب دارد که تا کنون چاپ نشده است اما نسخه های صوتی این شعر با صدای او در فضای مجازی انتشار یافته و خبرگزاری فارس نیز آن را منتشر کرده است :

دلش در یای صد ها کهکشان صبر غمش طوفان صد ها آسمان ابر

دو چشم از گریه همچون ابر خسته ز دست صبر زینب ،صبر خسته

صدایش رنگ و بوی آشنا داشت طنین موج آیات خدا دا شت

زبانش ذوالفقاری صیقلی بود صدا، آیینه ی صوت علی بود

چه گوشی می کند باور شنیدن خروشی این چنین مردانه از زن

به این پرسش نخواهد داد پاسخ مگر اندیشه ی اهل تناسخ :

حلول روح او ، در جسم زینب علی دیگری با ا سم زینب

زنی عاشق زنی این گونه عاشق زنی ، پیغمبر قرآن ناطق

زنی ، خون خدایی را پیامبر زن و پیغمبری ، الله ا کبر

(خبرگزاری فارس،گروه فرهنگی 26/9/89)

1. **انتظار**

**1-12 انتظار از دیدگاه شیعه**

انتظار را از لحاظ لغوی اینگونه معنا کرده اند: ((چشم به راه بودن، چیزی را چشم داشتن، چشم داشت.)) (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه ی انتظار) (( از دید مذهب تشیع انتظار امیدی است به آینده ای نویدبخش و سعادت آفرین که در آن ، به رهبری قائدی عظیم، جهان از مفاسد و بدبختی ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح و امنیت را در پیش می گیرد.

انتظار، آرزومندی به رسیدن آینده ای است که در آن ، ستم و تبعیض ، تعدّی و اجحاف نیست؛ بدکاری و بدخواهی به هر نوع محکوم می شود، ظلم و نابرابری از جامعه رخت بر می بندد و بشریت

، طریق فضلیت را در پیش می گیرد. انتظار چشم به راهی برای تحقق عدل و حق است ، امید به رفع تعلقات نژادی ، طبقه ای ، ملّیتی و زبانی است؛ یافتن زندگی بر اساس شرف و فضیلت و تقوی است زندگی بدون خوف از ابر قدرت ها است؛ بدان گونه که خدای را بدون خوف و خطری بپرستند و او را بدون واهمه عبادت کنند. و بالأخره انتظار، نوعی تخلیه برای تحلیه است. نوعی آمادگی برای پاک شدن، دور ماندن از زشتی ها، ستمبارگی ها و وصول به تزکیه ی نفس ، تجدید قوای خود برای شرکت در نهضت عظیم و انسانی، یافتن صفا و نورانیّت است.))

(قائمی، 1366 : 14 – 13 )

* 1. **انتظار از دیدگاه ادیان و ملل مختلف جهان**

با توجه به عمومیّت مسئله انتظار در تمامی جوامع بشری و با توجه به این موضوع که پرورش این پدیده ی فکری توسط نظام های اعتقادی و دینی انجام می پذیرد باید وجه جهان شمولی این موضوع را از دیدگاه ادیان گوناگون جهان بررسی کرد. با بررسی ادیان و مذاهب مختلف، آشکار می شود که ((این عقیده به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی، با تفاوت هایی، به چنین امری معتقدند. پیروان همه ادیان، عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان که فساد و بیدادگری و بی دینی، همه جا را فراگیرد، یک نجات دهنده ی بزرگ جهانی پیدا می شود که به واسطه ی نیروی فوق العاده ی غیبی، اوضاع آشفته ی جهان را اصلاح می کند و خداپرستی را بر بی دینی و مادیگری غلبه می دهد.این نوید خوش را نه تنها در کتاب هایی که با عنوان کتاب آسمانی باقی مانده اند؛ مانند کتاب زند و پازند و جاماسبنامه که از کتاب های مقدّس زرتشتیان است ،کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می شود و انجیل عیسویان، می توان پیدا کرد، بلکه کتاب های مقدّس براهمه و بودایان نیز، کم و بیش ، دیده می شود.

همه ی ارباب ملل و ادیان، این اعتقاد را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی هستند. هر ملّتی ، او را با لقب مخصوصی می شناسد. زردشتیان او را به نام **سوشیانس** (نجات دهنده جهان) جهودان به نام **سرور میکائیلی**،عیسویان به نام **مسیح** **موعود** و مسلمانان به نام **مهدی** منتظر می شناسند. اما هر ملّتی ، آن نجات دهنده ی غیبی را از خودش می داند. زردشتیان، او را ایرانی و از پیروان زردشت می دانند؛ جهودان، او را از بنی اسرائیل و پیروان موسی می شمارند؛ عیسویان او را هم کیش خودشان و مسلمانان از دودمان بنی هاشم و فرزند پیغمبرش می دانند. در اسلام به طور کامل معرفی شده ولی در سایر ادیان چنین نیست.))

(امینی،1358 :69)

* 1. **انتظار در قرآن و احادیث**

قرآن به عنوان کامل ترین دستورالعمل برای زندگی بشریت در بسیاری از موارد ، به این مسئله و آینده روشن آدمیان پرداخته است((قرآن کریم در بیش از صد و بیست آیه، به این معنی اشاره فرموده و اعلام داشته که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت شیطان را به پایان برد و بساط پیروان او را برچیند و حتماً بندگان صالح خویش را در همه جای زمین حکومت خواهد داد.))

(حسینی بحرانی،1374 :22)

مضمون برخی از آیات مرتبط با انتظار:

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ

((زمین را بندگان شایسته من وارث خواهند شد.))

(انبیا :105)

وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثينَ

(( ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم))

(قصص:5)

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ

((زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد ، واگذاری می کند و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.))

(اعراف : 128)

همچنین در روایات نیز از **مهدی** نام برده شده ، مانند این روایت که **حضرت رسول(ص)** فرمودند: (( مهدی از من است، فراخ پیشانی و باریک بینی زمین را پر از عدل می سازد، همچنان که آکنده از جور و ستم شده است.))

(حسینی بحرانی 1374 : 24)

فرهنگ انتظار به عنوان یکی از عناصر پایداری ، مبارزه با یأس و ترسیم افق های روشن آینده، ایجاد شور و هیجان و جنبش و اساساً ماهیت اعتراضی آن نقش مهمی در تحرکات اجتماعی و سیاسی برعهده داشته است و لذا شعر شعرا نیز از این مضمون خالی نماده است و این امر حتی در دوران قبل از ظهور **امام زمان (عج)** نیز صدق می کند به عنوان نمونه: (( وقتی دعبل اشعار خود را نزد امام رضا(ع) قرائت می کرد، در پایان این بیت را خواند:

خروج امام لا محالة واقع             يقوم على اسم اللَّه و البركات

یعنی: نهضت یک امام، مسلّم و حتمی است. او به نام خدا و برکات قیام می کند.

امام رضا به شدت گریست و فرمود: روح القدس، به زبانت سخن گفت آیا آن امام را می شناسی؟ عرض کرد: نه، ولی شنیده ام که، امامی از شما قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد.))

(امینی، 1385 :51)

((مسئله موعود از موضوعات کهن و دیرینه ی شعر فارسی است و در شعر بسیاری از شاعران کهن، از جمله : سنایی، سعدی، مولوی، خواجوی کرمانی، جامی و ... به آن اشاره شده است. البته پیرامون طرح این موضوع، غالباً اشاره وار و اجمالی هست.))

( محدثی خراسانی، 1388 : 289)

در شعر کهن فارسی، مهدویّت و انتظار در حاشیه قرار دارد. در واقع بسیاری از شاعران قدیم، در شعرهایی که به طور کامل به مسئله ظهور اختصاص ندارد، به عنوان یک تلمیح یا اشاره ی تاریخی ، به این موضوع پرداخته اند و یا در حد یکی دو بیت در آن درنگ می کنند.

سنایی غزنوی، شاعر بزرگ قرن پنجم و ششم هجری ، در یکی از قصاید خویش، چنین تصویری از ظهور ارائه می کند:

گر چه آدم صورتان سگ صفت مستولي اند

هم کنون باشد کزين ميدان دل عيّاروار

جوهر آدم برون تازد ، برآرد ناگهان

زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار

گر مخالف خواهی ، ای مهدی ، درآ از آسمان

ور موافق خواهی ای دجّال یک ره سر برآر

(امیر خراسانی، احمد صدقیان زاده، قاسم 1391 : 7)

**4-12 انتظار در شعر قبل و بعد از انقلاب**

انقلاب اسلامی به عنوان احیاگر باورهای دینی و مذهبی، باعث شد تا مضامینی که تا حد زیادی مهجور مانده بودند مانند روزگار صفویان که حاکمیتی مذهبی بود دوباره مورد توجه اهالی قلم قرار گیرند، خواه بر اساس اعتقاد شاعران و نویسندگان ، خواه بر اساس مغناطیس جمع یا جبر زمانه ، که اشعاری با توجه به مضمون انتظار نیز بخشی از این مضامین را تشکیل می دهند.

(( مفهوم انتظار، قبل از انقلاب در آثار شاعران اهل بیت، مذهبی و هیئتی و به صورت معدود، در آثار شاعران حرفه ای مسلمان حضور دارد. آثار شاعرانی چون شهریار، امیری فیروز کوهی ، ابولحسن ورزی، قابل مقایسه با آثار شاعران پس از انقلاب نیست. در واقع پس از پیروزی انقلاب ، مفهوم انتظار در شعر شاعران، رنگ و جلوه ای دیگر به خود گرفت. بعد از انقلاب و احیای باورها و آرمان های اسلامی ، ما با وفور باورهای مذهبی در شعر مواجه می شویم که مهم ترین آنها، مسئله عاشورا و مفهوم انتظار است و انتظار با توجه به استقبال بسیار شاعران ، تبدیل به برجسته ترین حوزه ی شعر آئینی شد و از لحاظ کیفی، ویژگی های خاص خود را پیدا کرد؛ ویژگی هایی که کاملاً متمایز از آثار شاعران قبل از انقلاب است. در اشعار انتظار معاصر، شاعر، **موعود** را در ارتباط مستقیم خویش حس می کند و از همین منظر، شعر شاعران پس از انقلاب ، بستری صمیمی و عاطفی برای گفتگوی منتظر و موعود است و متأثر از این حال است که انتظار برای شاعر، یک مفهوم ملموس و عینی است.))

(محدثی خراسانی، 1388: 289)

* 1. **انتظار در اشعار قیصر امین پور**

عصر ظهور.جهان بعداز ظهر

انتظار از موضوعاتی است که در اشعار قیصر امین پور بسامد بالایی دارد،انتظار منجی و آرزوی آرمان شهری که توسط منجی در عصر ظهور ایجاد می شود.آرمان شهری که در آن صلح ، آزادی نوع بشر ، حفظ کرامت انسانی عدالت و آبادانی، حفظ محیط زیست ، حقوق حیوانات و جانداران، اعتماد، عشق، شادی ،صمیمیت و دوستی مراعات می شود.

**1-5-12 عصر ظهور**

او در شعر (روز ناگریز) این آرمان شهر و جهان بعدازظهور را با تمام وجوهش ترسیم می کند:

**صلح و ظهور**

و خواب در دهان مسلسل ها

خمیازه می کشد

و کفش های کهنه سربازی

در کنج موزه های قدیمی

با تار عنکوبت گره می خورند.

(امین پور، قیصر:238 ، 1391)

**آزادی نوع بشر**

دیوار حق نداشته باشد

بی پنجره بروید

آن روز

دیوار باغ و مدرسه کوتاه است.

(همان: 239)

**حفظ کرامت انسانی**

روزی که التماس گناه است

و فطرت خدا

در زیر پای رهگذران پیاده رو

بر روی روزنامه نخوابد

و خواب نان تازه نبیند

روزی که روی درها با خط ساده ای بنویسند:

((تنها ورود گردن کج، ممنوع!)).

(همان:237)

**عدالت و آبادانی**

روزی که باغ سبز الفبا

روزی که مشق آب،عمومی است

دریا و آفتاب

در انحصار چشم کسی نیست

(همان :239 ، 240)

**حفظ محیط زیست**

روزی که سبز زرد نباشد

گل ها اجازه داشته باشند

هرچا که دوست دارند بشکفند.

(همان: 239 )

**حفظ حقوق جانداران و حیوانات**

پروانه های خشک شده ، آن روز

از لای برگ های کتاب شعر

پرواز می کنند.

(همان،238)

**اعتماد**

روزی که نامه ها همه باز است

(همان:236)

آن روز

دیوار باغ و مدرسه کوتاه است.

(همان:239)

**اعتبار عشق**

و زانوان خسته ی مغرور

جز پیش پای عشق

با خاک آشنا نشود

(همان:237)

**شادی**

روز وفور لبخند

لبخندی بی دریغ

لبخند بی مضایقه ی چشم ها

(همان:237)

**صمیمیت و دوستی**

پرواز دسته های صمیمی

در جستجوی دوست

آغاز می شود

(همان:236)

قیصر در دیگر اشعارش هم به عصر ظهور اشاره می کند:

فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید

(همان:355)

فصل تقسیم غزل ها و غزلخوانی ها

تو بیایی همه ساعت ها و ثانیه ها

(همان:71)

از همین روز، همین لحظه ، همین دم عیدند.

**2-5-12 عصر غیبت**

قیصر امین پور عصر غیبت را به فصل سرما و اسفند ماه، به بعداز ظهر یک جمعه و هوایی بارانی ؛ جاده های مه آلود و سال های بی خورشید تشبیه کرده است و این عصر را عصر دورویی، حیرانی و بی عدالتی و بی سرو سامانی، ویرانی و خنده های مصنوعی می داند ، عصری که در آن آفتاب غمگین است و پله ای برای صعود انسان در آن پیدا نمی شود و هیچ کس خودش نیست ، این عصر برای او سراسر چشم انتظاری است:

صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

بی تو می گویند تعطیل است کار عشقبازی

عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

(همان-409)

چشم‌ها پرسش بي‌پاسخ حيراني‌ها

دست‌ها تشنه ي تقسيم فراواني‌ها

حاليا! دست كريم تو براي دلما  
سرپناهي است در اين بي‌سر و ساماني‌ها

(همان:355)

تویی بهانه ی آن ابرها که می گیرند

بیا که صاف شود این هوای بارانی

تو از حوالی اقلیم هر کجا آباد

بیا که می رود این شهر رو به ویرانی

(همان:304)

چه اسفندها... آه

چه اسفندها دود کردیم

برای تو ای روز اردیبهشتی

که گفتند این روزها می رسی از همین راه

(همان:287)

بفرمائید فرو دین شود اسفندی های ما

نه بر لب، بلکه در دل گل کند لبخندی های ما

بفرمائید هر چیزی همان باشد که می خواهد

همان، یعنی نه مانند من و مانندهای ما

بفرمائید تا این بی چرا تر کار عالم ؛ عشق

رها باشد از این چون و چراو چندهای ما

بفرمایید فروردین شود اسفند‌های ما

نه بر لب، بلکه در دل گل کند لبخند‌های ما

 بفرمایید هر چیزی همان باشد که می‌خواهد  
همان، یعنی نه مانند من و مانندهای ما

 بفرمایید تا این بی‌چراتر کار عالم؛ عشق  
رها باشد از این چون و چرا و چندهای ما

نمی دانم کجایی یا که ای ، آنقدر می دانم

که می آیی که بگشایی گره از بندهای ما

(همان:39)

بی تو اینجا همه در حبس ابد تبعیدند

سال ها، هجری و شمسی همه بی خورشیدند

(همان:70)

در این زمانه هیچ کس خودش نیست

کسی برای یک نفس خودش نیست

(همان:74)

گلبو!

گلخانه ی جهان

خالی است

لبریز بوی نام تو بادا.باد!

(همان:121)

خسته ام از آرزوها،آرزوهای شعاری شوق پرواز مجازی بال های استعاری

لحظه های کاغذی را روز و شب تکرار کردن خاطرات بایگانی ، زندگی های اداری

آفتاب زرد و غمگین پله های روبه پائین سقف های سرد و سنگین ، آسمان های اجاری

با نگاهی سرشکسته ، چشم های پینه بسته خسته از درهای بسته، خسته از چشم انتظاری

عصر جدول های خالی ، پارک های این حوالی پرسه های بی خیالی نیمکت های خماری

رونوشت روزها را، روی هم سنجاق کردم شنبه های بی پناهی ، جمعه های بی قراری (همان:188،187)

**6-12 سیمای منتظَر و منتظِر در اشعار قیصر امین پور**

قیصر در انتظار موعودی است که در دستانش کلید شهر پر آینه را دارد چون روزی اردیبهشتی است و آفتابی پنهانی ، کسی که سبزتر از هزاران بهار است صدایش مانند عبور نور است و نوروز ، مثل صدای قدم های روز و در طریق عشق یادش آرامشی است طوفانی و در سفر عشق ، او خط پایان است:

احساس می کنم که مر

از عمق جاده های مه آلود

یک آشنای دور صدا می زند

آهنگ آشنای صدای او مثل عبور نور

مثل عبور نوروز

مثل صدای آمدن روز است

(همان:236، روز ناگریز)

چه اسفندها... آه!

چه اسفندها دود کردیم!

**برای تو ای روز اردیبهشتی**

که گفتند این روزها می رسی

از همین راه

(همان: 287 پیشواز)

طلوع می کند آن **آفتاب** **پنهانی**  ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

کسی که **سبزتر است از هزار بار بهار**  کسی، شکفت کسی، آن چنان که می دانی

کسی که نقطه آغاز هرچه **پرواز** است تویی که در **سفر عشق خط پایانی**

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو **آرامشی است طوفانی**

(همان:305،304)

وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی ای سر انگشت تو آغاز گل افشانی ها

(355)

منتظَر اشعار قیصر عاشق عاشقان خود است:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد

در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

(همان:409)

قیصر موعود را از تبار ائمه و امامن شیعه می داند:

می دانم

تو یازده ستاره و خورشید و ماه

در خواب دیده ای

حالا باش

تا خواب یک ستاره دیگر

تعبیر خوابهای تو را

روشن کند

ای کاش....!

(همان:11)

و اما منتظِر که حیران و بی سرو سامان در زمستان سرد اسیر روزهای تکراری است با چشم های پینه بسته بی قرار از رنجش دوری معشوق جمعه ها را می شمارد و در انتظار دیدن یار بسر می برد:

شب و روز از تو می گوئیم و می گویند، کاری کن

که (( می بینم)) بگیرد جای (( می گویند)) های ما

(همان،40)

رونوشت روزها را، روی هم سنجاق کردم:

شنبه های بی پناهی ، جمعه های بی قراری

(همان:118)

خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد

عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

(همان:409)

او از موعود می خواهد که دعا کند و زودتر بیاید تا آینده هایی که به انسان های صالح وعده داده شده زودتر محقق شود ، گویا نشانه های ظهور ، آمدن منجی را نوید می دهند:

بفرمائید فردا زودتر فردا شود،امروز همین حالا بیاید وعده ی آینده های ما

(همان:40)

دوباره پلک دلم می پرد، نشانه ی چیست؟ شنیده ام که می آید کسی به مهمانی

(همان:304)

او به ملامت گویان و منکران این وعده ی آسمانی چنین می گوید:

جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما

خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد

(همان:409)

و اما تنها شعری که امین پور آن را به امام زمان تقدیم کرده ، شعر(صبح بی تو) است که با این مطلع آغاز می شود:

صبح بی تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد

بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

(امین پور،قیصر:409)

در اشعار قیصر امین پور علاوه بر انتظار موعود و فرستاده ی خداوند انتظار معشوق زمینی هم دیده می شود:

قطار می رود

تو می روی

تمام ایستگاه می رود

و من چقدر ساده ام

که سال های سال

در انتظار تو

کنار این قطار رفته ایستاده ام

و همچنان

به نرده های ایستگاه رفته تکیه داده ام

(امین پور، قیصر:7)

1. **تقابل شهر رو روستا در اشعار قیصر امین پور**

مسأله تقابل شهر و روستا موضوعی است که شاعران از دیرباز به صورت محدود و بیشتر غیرمستقیم به آن پرداخته اند . با این توضیح که بیش از آنکه خود به طور مستقیم به مسأله ی تقابل اشاره کنند تشعار آنان تحت تأثیر محیط شهری یا روستای قرار گرفته است و غالباً این موضوع در شعر شاعرانی دیده می شود که دوره ای از زندگی خود را در روستا گذرانده اند. گریز از زندگی شهری ، حسرت از دست رفتن برخی از محاسن اخلاقی و تلاش برای بازگشت به خلق و خوی روستایی وجه مشترک این اشعار است شاید بتوان این مضمون را یکی از ویژگی های شعر برخی از شاعران معاصر به شمار آورد که در اشعار قیصر امین پور هم دیده می شود.

و اما در شعر امین پور (( روستا جایگاه ویژه و اساطیری دارد و برترین افریده است به طوری که وقتی سه آفریده و سه آفریدگار را در کنار هم قرار می دهد، برترین آفریده را که به طور حتم محصول عمل برترین آفریدگار باید باشد روستا است.))

(باقری ، جواد – رسول عباسی ( 1387): 315)

خدا روستا

بشر شهر را ...

ولی شاعران آرمانشهر را آفریدند

که در خواب هم خواب آن را ندیدند.

(امین پور ، قیصر : 154)

**قیصر امین پور** که مدت ها است از روستای خود دور افتاده شعرا و سراسر یادواره روزها و شب های روستا است او از این ماجرا غمگین است که زندگی مصنوعی شهری بر شعر او تأثیر گذاشته و دیگر خورشید شعرهای او مانند روستا گرم نیست.

(( در شعر من

خورشید

از موضع مضایقه ی تابد

خورشید زرد مقوایی

و آسمان سربی

با بادهای سرد

در شعرهای من جریان دارد

(همان:322)

و همین دور افتادگی از روستا غم و دردی عمیق را برای او به ارمغان آورده است:

این درد کوچکی نیست

در روستای ما

مردم

شعر مرا به شور نمی خوانند

گویا زبان شعر مرا، دیگر

این صادقان ساده نمی دانند

و برگ های کاهی شعرم را

شعری که در ستایش گندم نیست

یک جو نمی خرند

( همان:323)

اما این دور افتادگی باعث نشده است که قلب و دل او از روستا جدا باشد:

از من گذشت

اما دلم هنوز

با لهجه ی محلی خود حرف می زند

با لهجه ی محلی مردم

با لهجه ی فصیح گل و گندم

گندم

خورشید روستاست

(همان: 323)

او طلوع شعر خود را در همان سادگی و شور و صداقت روستا می داند.

وقتی که باد موج می اندازد

در گیسوی طلایی گندمزار

خورشیدهای شعر من آنجاست

(همان: 323، 324)

قیصر امین پور ورود مظاهر شهری و مدرن را به روستا نکوهش می کند چون این امکانات رفته رفته رنگ و بوی روستا را خواهد گرفت

(( آسمان تعطیل است

بادها بیکارند

ابرها خشک و خسیس

هق هق گریه ی خود را خوردند

من دلم می خواهد

دستمالی خیس

روی پیشانی تبدار بیابان بکشم

دستمالم را افسوس

نان ماشینی در تصرف دارد

.......

ابروی ده ها را بردند.

(همان : 371)

و در منظومه ی خوشه ی خورشید روزی که ماشین به روستای ما آمد- ورود ماشین و مظاهر شهری به روستا را باعث از بین رفتن ویژگی های روستا می داند و ماشین را به دیوی تشبیه می کند که زیبایی های روستا را می گیرد:

((صدای پای پولادین یک دیو صدای پای دیو آهنین بود

به پایش بره ای را سر بریدند گلوی نازک گل را دریدند

ز بیم غرش پولاد و آهن کبوترها ز بام خود پریدند

غباری از دل هر زره برخاست صدای از گلوی بره برخاست

.............................................. .............................................

غبار گله های روستا مرد صدای نازک زنگوله ها مرد

نی چنان از آن پس ماند خاموش طنین آن صدای آشنا مرد

نمی خندد دگر در باغ ها گل نمی خواند خروس سرخ کاکل

تمام خانه ها از یاد بردند هجوم گوسفندان را به آغل

چرا این اتفاق شوم افتاد؟ که خرمن های ما را داد بر باد؟

خروس روستامان رفت در خواب؟ و یا بانگ اذان را برد از یاد؟))

(همان : 494 ، 495 ،96)

1. **سیما و تصویر روستا در اشعار قیصر امین پور**

روستا در اشعار قیصر جایگاهی است که موسیقی خدا در آن جریان دارد و در کوچه های آن نشاط و شوق جریان دارد مردم آن خواب گندم های طلایی را می بیند شب های آن ستاره باران و مهتابی است:

(( نسیم دهکده آهنگی آشنا می زد هزار نغمه ز موسیقی خدا می زد

سپیده خرمنی از نقره و طلا می برد که زنگ های سحر را به هم بیامیزد

نشاط، دررگ هرکوچه می دوید چو خون به شوق صبح دگر، نبض روستا می زد

نسیم بر سر گلدسته ها اذان می گفت خروس دهکده خورشید را صدا می زد

صدای ساعت زنگوله در فضا پیچید برای مدرسه ها زنگ صبح را می زد))

(همان: 483)

او کهکشان را در فاصله ی خرمن تا کاهدان روستا می بیند و با تشبیه زیبایی آن را به تصویر می کشد:

(( ریزه های کاه خطی می کشید از سر خرمن به سوی کاهدان

کهکشانی دیده می شود در زمین کهکشان دیگری در آسمان))

(همان:548)

قیصر امین پور همیشه در فکر روستا است و آرزوی بازگشت به روستا را در سر می پروراند:

((بار می بندیم سوی روستا

می رسد از دور بوی روستا))

(همان: 412)

1. **مرگ اندیشی در اشعار قیصر**

واژه مرگ مانند کلمه زندگی، مفهوم روشن و عامی دارد که بر کسی پوشیده نیست اما در آن سوی این مفهوم چیزی قرار دارد که شاید هرگز برای کسی درست و دقیق معلوم نگردد و شناخته نشود **امام علی (ع)** در خطبه ی 149 نهج البلاغه در این خصوص می فرمایند:

(( هرکه از مرگ بگریزد در همین فرارش با مرگ روبرو خواهد شد چرا که اجل در کمین جان است و سرانجام گریزها، هم آغوشی با آن است وه که چه روزگارانی در پی گشودن راز مرگ بودم! اما خواست خدا این بود که این اسرار همچنان فاش نشوند! هیهات! چه دانشی سر به مهر))

**امام محمد غزالی** آدمیان را در برابر مرگ به سه دسته تقسیم می کند: 1- حریصان مولع2- تایبان مبتدی و 3- عرفان منتهی

گروه اول با یاد مرگ بیشتر متوجه دنیا می شوند و با خود می اندیشند که آن گونه که باید از دنیا بهره نبرده اند،وضعیت این دسته یادآور وضعیت مردم در رمان (( طاعون)) البر کامواست. طاعون باعث می شود که هر کس در هر کاری که بود بیش از بیش شتاب ورزد. اما دسته دوم با یاد کرد مرگ راهی به سوی یگانگی با خویش باز می کنند. مرگ برای آنها از سوی رهاننده است و سالک را از بعد خداوند، به قرب می رساند و از سوی دیگر اگر رهتوشه ای برای سفر فراهم نیامده باشد عاقبت سفر برایش مشخص نیست و اما گروه سوم ایشان عارفان منتهی هستند که مرگ برای آنها گاه دیدار دوست است و دوست هرگز گاه دیدار را فراموش نمی کند، مرگ وسیله ی لقای خداوند است ، پس این گروه هستند که مرگ را دوست می دارند.

و اما مرگ و یاد کرد از مرگ یکی از موضوعات رایج شعر و ادب فارسی است که شاعران هر کدام بر اساس باور و اعتقاد خود به این موضوع پرداخته اند. اگر از ادبیات باستانی ایران و اسطوره ها و حماسه های آن بگذریم ، شاعران و نویسندگان ایران بعد از اسلام را با توجه اندیشه آنها نسبت به مرگ می توان به سه دسته تقسیم کرد:

نخست کسانی که مرگ را ستوده اند و به قول **غزالی** آنها عارفان منتهی اند **مولانا جلال الدین بلخی** بزرگترین نماینده این گروه به شمار می آید. دوم دسته ای که با نفرت و کراهت به مرگ نگریسته اند و برای غلبه به آن به خوشباشی روی آورده اند، خیام را باید پیشرو و نماینده این دسته دانست. سوم گروهی که واقع گرایانه به آن نگریسته اند و مرگ و زندگی را دوروی یک سکه دیده اند و کوشیده اند ضمن بهره بردن از نعمت های این جهان و خدمت به جامعه انسانی توشه و زاد راه زندگی در جهان را در دوره ی زندگانی خویش فراهم کنند اینان نه زندگی را فدای مرگ کرده اند و نه مرگ را فدای زندگی سعدی بزرگترین نماینده این گروه محسوب می شود.

آخرت باوری و مرگ اندیشی در اشعار قیصر نیز چون دیگر شاعران به چشم می خورد او به جهانی برتر از این جهان فانی اعتقاد دارد، جهانی که نتیجه ی اعمال آدمی در آنجا به بار می نشیند:

(( نوشتی دفتری امروز و بنگر چها در دفتر فردا ببینی!))

(در کوچه آفتاب: 89)

شاعر معتقد است که پس از مرگ، در جهانی برتر و دیگر گونه به جاودانگی دست می یابد . قیصر امین پور در اشعار نخستین خود، از مرگی عارفانه و عاشقانه صحبت می کند، او مرگ را پدیده ای و راهی برای رسیدن به حقیقت مطلق می داند و مشتاقانه به دیدارش می شتابد از این رو او در گروه نخست شاعران که نام بردیم قرار می گیرد:

(( گر آتش صد هزار دوزخ باشی ای مرگ ترا چو آب خواهم نوشید))

( امین پور، قیصر 1391: 427)

و یا:

(( ما دشمن آه و آخ و افسویم با شوق لبان مرگ را می بوسیم((

( امین پور، قیصر،1391 :447)

تقریباً از سال 1378 به بعد یکی از موضوعات اصلی اشعار **قیصر امین پور** در مرگ است به ویژه در (( آینه های ناگهان))

(( مردن چقدر حوصله می خواهد

بی آنکه در سراسر عمرت

یک روز، یک نفس

بی حس مرگ زیسته باشی!))

(همان: 254)

(( خوشا چون گل به فصلی، سرخ مردن خوشا در فصل دیگر، زادنی سبز))

(همان: 395)

امین پور گاهی هشدار گونه برای بیداری انسان ها از غفلت سخن از مرگ گفته است:

(( ما

در تمام عمر تو را در نمی یابیم

اما

تو

ناگهان

همه را در می یابی!))

(همان: 150)

1. **یادمانه های شعر قیصر**

((یادمانه ها یا (( **نوستالژی**)) را می توان به طور خلاصه یک احساس درونی تلخ و شیرین به اشیاء اشخاص و موقعیت های گذشته، تعریف کرد. معنی دیگر نوستالژی دلتنگی شدید برای زادگاه است. واژه نامه انگلیسی آکسفورد نوستالژی را شکلی از دلتنگی که ناشی از دوری طولانی زادگاه است، تعریف کرده است.

این واژه از دو کلمه یونانی ساخته شده است nostos که به معنی بازگشت به خانه است و algia که معنی (( درد)) می دهد.نوستالژی حاصل یک واژه سازی در پایان سده هفدهم میلادی است. نخستین بار یک پزشک سوئیسی به نام **جوهانس هوفر** در سال 1688 برای توصیف حالات روحی دو بیمار این واژه را ساخت با گذشت 50 سال رفته رفته، اصطلاح نوستالژی از متن های پزشکی ناپدید و رفته رفته وارد دنیای ادبیات شد.(( نوستالژی در زبان ادبی عصر رمانتیک فرانسه در آثار **هوگو** ، **بالزاک** و **بودلر** معنای مختلفی به خود می گیرد در آثار هوگو به معنی دردسوزان دوری از وطن، در آثار بودلر به معنی اشتیاق به سرزمین های بیگانه ؛ اشتیاق برای چیزهایی از دست رفته و سرانجام در آثار سارتر به معنی در حسرت یا اشتیاق هیچ بودن. اما شاید بتوان رمان(( جهالت)) **میلان** **کوندرا** را به عنوان تازه ترین نمونه از یک اثر نوستالژیک نام برد.)) ((دانشنامه آزاد ویکی پدیا))

اما این مضمون در اشعار قیصر امین پور نیز بسیار دیده می شود در اشعار قیصر ، احساس حسرت نسبت به گذشته را می توان به دو نوع تقسیم کرد:

**1-16 یادمانه های کودکی**

یادآوری و حسرت بر ایام خوش کودکی در جریان شعر انقلاب به ویژه در سال های پس از اتمام جنگ نمود بیشتری یافت ، یادمانه کودکی در شعر امین پور در جهانی بی کینه، ساده و زلال جریان دارد. در این اشعار امین پور دلبستگی او به آنچه که از آن به عنوان (( اصالت کودکی)) تعبیر می شود، آشکار است:

((کودکیهایم اتاقی ساده بود قصه ای ، دور اجاقی ساده بود....

زندگی دستی پر از پوچی نبود بازی ما جفت و طاقی ساده بود...

ساده بودن عادتی مشکل نبود سختی نان بود و باقی ساده بود))

(امین پور، قیصر، 1391 :298)

در شعر کودکیهای 2 نیز یادمانه های شاعر حاکم است((در این شعر شش بار واژه باد، یا به تنهایی یا در ترکیب بادبادک به کار رفته است. علاوه بر اینکه همخوان (( ک)) در واژه های کودک و کودکی و نازک ، اهتراز بادبادک شعر را تقویت می کند، تکرار بادباد در شعر هم، نوعی القاء مفهوم یاد باد، یاد باد را به خود دارد، که نوستالژی شعر را تقویت کرده است.))

(( باد بازیگرش

بادبادک ر

بادبادک دست کودک ر

هر طرف می برد

(حسینی، 1388 :47)

((کودکی هایم

با نخی نازک به دست باد آویزان))

(امین پور، قیصر، 1391 :18)

**2-16 دلتنگی و حسرت عارفانه ناشی از خاطرات ایام جنگ**

در این سروده ها قیصر دلتنگ و حسرت زده دوران جبهه است و دلتنگ یاران رفته شهیدان وطن او از جا ماندن خود از کاروان شهدا دچار حسرت می گردد:

من با دهان مرثیه می خوانم:

ای کاش عاشقان تو می ماندند!...

من

در سوگ خویش مرثیه می خوانم:

ای کاش

آنگونه عاشقانه نمی خواندندً

آنگونه آسمانی

که بال های

مرتعش ما را

دنبال بال خویش کشاندند

اما

با حسرت رسیدن

در بالهای کال

ما را به سوگ خویش نشاندند...))

(همان:333)

او در غزل ((روزها و سوزها)) از دفتر (( دستور زبان عشق)) از فراموشی یاد و نام شهدا، ارزش ها و آرمان های انقلاب و دفاع مقدس نگران است روزگاری آرمانی و شهدایی که خون آنها بار سنگینی بر دوش یارانشان نهاده است:

(( مانده از آن کاروانها و از آن چاووشها شعله های خفته در خاکستر خاموش ها

ذره ای بود از غبار راه آنها آفتاب مانده اینک سایه باری گران بر دوشها

هر چه جز تشریف عریانی برایم تنگ بود از قماش زخم بر تن داشتم تن پوشها))

(همان:57)

1. **کودک**

در اشعار قیصر امین پور کودک و جنگ در کنار هم حرکت می کنند دیدگاه و هنر امین پور در بیان نسبت های جنگ و کودکی بسیار چشمگیر و با هم مرتبط است . او در بیان برخورد جنگ و کودک از عواطف انسان گرایانه برای نشان دادن آسیب ها بهره گرفته است و از سوی دیگر چون پژوهشگری ریز بین به نمودهای حاصل از مسئله پرداخته است.

او در آثار اولیه و به ویژه در نوشته های دوران جنگ رسالتی را با توجه به شرایط جنگ برای زنان و کودکان در نظر گرفته ، قصه های او برای کودک ،دیگر ((قصه ی جنگ)) است:

موسیقی شهر بانگ رودارود است رقاصه ی شهر، آتش است و دود است

بر خاک خرابه های بخوان قصه ی جنگ از چشم عروسکی که خون آلود است

(امین پور، 1363 : 60)

(( چالرز جفرسون (Charles E.Jefferson) در بحبوحه ی جنگ جهانی اول، سخنرانی هایی را درباره ی آموزی های تلخ جنگ، ایراد می کرد و جایی از سخنش درباره ی چیستی جنگ، ناله های مردان، هق هق زنان و فریادهای جانگداز کودکانی است که پدرانشان هرگز به خانه بر نخواهد گشت.(Jefferson .24,1916) ))

(بهره ور ، مجید، 1390 : 57)

امین پور در این اشعار مظلومیت ، دلتنگی، انتظار و درد قلب های کوچک کودکان را فریاد کرده است.

**1-17مظلومیت کودکان**

از دیگر رسالت های ادبیات مقاومت، بیان مظلومیت مردمان و به ویژه نشان دادن رنج ها و جان سپاری زنان و کودکان بی دفاع است. در جنگ ها معمولاً کودکان از دیگر اقشار جامعه آسیب پذیرتر و در برابر حوادث بی دفاع تر هستند.

قیصر در ((**شعری برای جنگ**)) این مظلومیت را توصیف می کند.

هر شب تمام ما

با چشم های زل زده می بینیم

عفریت مرگ را

کابوس آشنای شب کودکان شهر

هر شب لباس واقعه می پوشد

امین پور دربند دیگر این شعر کشتار بی رحمانه کودکان را بازگو می کند از شهادت کودکی که غرق رویا بوده و با عروسکش خوابیده:

اما

من از درون سینه خبر دارم

از خانه های خونین

از قصه ی عروسک خون آلود

از انفجار مغز سری کوچک

بر باشی که مملو رویاهاست

رویای کودکانه شیرین

و باز در فرازهای دیگر این شعر شهادت کودکی را بازگو می کند که از ترس در حال دویدن است .

اما سر از تنش جدا شده است:

من با دو چشم مات خودم دیدم

که کودکی ز ترس خطر تند می دوید

اما سری نداشت

لختی دگر به روی زمین غلتید

و ساعتی دیگر

مردی خمیده پشت و شتابان

سر را به ترک بند دوچرخه

سوی مزار کودک خود می برد

چیزی درون سینه ی او گم بود...

(امین پور، قیصر، 1391 : 382)

جنگ بازی کودکان این دوره دیگر بازی نیست یک واقعیت است که کودک با تمام وجود درک کرده است و چون بازی های کودکی شاعر نیست:

جنگ مردان مثل جنگ واقعی جنگ با سنگ و تفنگ و چوب بود

جنگ ما مانند جنگ زرگری گرچه پر آشوب اما خوب بود

مرگ ما یک چشم بستن بود و بس خون ما در جنگ ها بی رنگ بود

هفت تیر چوبی ما بی صدا اسب های چوبی ما لنگ بود

(همان: 550)

کودک دیگر با تیرو کمان کشی مانند دوران کودکی شاعر نمی جنگد:

دوز بازی های بی دوز و کلک جنگ با (( تیرو کمان های کشی))

(همان: 550)

کودک دوران جنگ زود بزرگ می شود و دیگر درگیر بازی نیست .او نیز ( در پی)حیات جاودان است:

تو همچون غنچه های چیده بودی که در پرپر شدن خندیده بودی

مگر راز حیات جاودان را تو از فهمیده ها فهمیده بودی؟

(همان: 484)

فصل گل بود و بهار

فصل پر نقش و نگار

باد بی رحم خزان

ناگهان از سر دیوار پرید

و بر این باغ وزیر

بهترین گل ها را

از دل باغچه مدرسه چید

چارگل چار شهید

(همان: 488)

**2-17 دلتنگی های کودک**

در سراسر اشعار جنگ قیصر امین پور ، دلتنگی های کودک برای پدرش که در جبهه است به چشم می خورد و تنها وسیله ارتباط کودک با پدرش نامه های اوست:

وقتی که نامه ات را

مادر برای ما خواند

باران پشت شیشه

آرام و بی صدا ماند

در آن نوشته بودی

حال تو خوب خوب است

گفتی که سنگر ما

در جبهه ی جنوب است

گفتی که ما همیشه

در سایه ی خدائیم

گفتی که ما قرار است

این روزها بیاییم

از شوق سطر آخر

مادر بلند خندید

چشمان مهربانش

برقی زد و درخشید.

(همان: 518)

آری کودک دائماً در انتظار دیدار پدر بسر می برد و زندگی او با انتظار معنا پیدا می کند:

((پس پدر کی ز جبهه می آید؟ باز کودک ز مادرش پرسید

گفت مادر به کودکش که بهار غنچه ها و شکوفه ها که رسید

باز کودک ز مادرش پرسید (( کی بهار و شکوفه می آید؟))

گفت مادر که هر زمان در باغ غنچه ها لب به خنده بگشاید

روز دیگر سراغ باغچه رفت کودک ما به جست و جوی بهار

دید لب بسته است غنچه هنوز بر لب غنچه نیست بوی بهار))

(همان: 476)

کودک شعر قیصر آنقدر دلتنگ است که برای رسیدن بهار و گذشت زمان با تمام وجود می کوشد:

((گفت ای غنچه های خوب چرا لبتان را ز خنده می بندید؟

زودتر بشکفید و باز شوید آی گل ها چرا نمی خندید؟

گاه غنچه ها سخن می گفت گاه خواهش ز غنچه ها می کرد

گاه گلبرگ غنچه ای را نرم با سر انگشت خویش وا می کرد.))

( همان: 477)

اما علاوه بر ترسیم این واقعیت ها (( امین پور پیوسته نشان داده است که جدای از قطعنامه و فتح نامه ها، آن چنان نگران کودک انسان است که در کنار روایت پایداری ها و دلاوری ها ، از بیان نیاز ها و آزادگی های آنان غافل نمی شود.))

(بهره ور، مجید، 1390 : 69)

کودک و شاعر در نگاه مسائل هستی بسیار شبیه یکدیگر هستند. شاعر کودکی است که جهان را و زبان جهان را به باز می گیرد و کودک شاعری که نادانسته از هر چیز و هر کس آن چه که می خواهد می بیند آری شاعر کودکی است که بر هر چه ناخوشایند است آن چنان که دوست دارد می نگرد . قیصر امین پور شاعری و کودکی را همسایه یکدیگر می داند:

((شعر و کودکی، دو خانه قرینه و همانند و همسایه دیوار به دیوارند، یا اصلاً دیواری در کار نیست))

( امین پور، 1385: 11)

آری براستی شعرهای قیصر امین پور نیز اینگونه است:

من که غیر از دلی ساده و صاف در جهان هیچ چیزی ندارم

مثل آیینه گاهی دلم را روبروی شما می گذارم

دست های پر از خالی ام را پیش روی همه می تکانم

چکه چکه تمام دلم را در دل بچه ها می چکانم

(امین پور، 1370 : 15)

1. **(( درد)) در اشعار قیصر امین پور**

یکی از موضوعات پر بسامد در عنوان های شعری قیصر که با مشئله ی عشق نیز درآمیخته توجه به مسئله **درد و رنج** انسان است. با عنایت به مفهوم درد و رنج و بار معنایی که این واژه با خود حمل می کند به جرأت می توان گفت، قیصر یکی از بزرگترین شاعران در سه دهه اخیر است که در زندگی هنری و بلکه در زندگی اجتماعی درگیر این مفهوم و واقعیت بوده است. درد و رنج در اشعار قیصر را به دو دسته دردهای اجتماعی و دردهای عاشقانه می توان تقسیم کرد دردهای عاشقانه قیصر از دوری از معشوق ازلی تا عشق زمینی را شامل می شود و دردهای اجتماعی او درد مردم ، درد نرسیدن به آرمان ها و اهداف در بر می گیرد ، دردهای اجتماعی او به انتقاد و اعتراض می انجامد.

قیصر در اشعار خود (( درد)) را سرنوشت ناگزیر و **محترم** خویش قلمداد می کند و درد را خویشاوند خویش می نامد:

(( دست سرنوشت

خون درد را

با گلم سرشته است

پس چگونه سرنوشت ناگزیر خویش را رها کنم؟

...

درد نام دیگر من است

من چگونه درد را صدا کنم؟!!

(امین پور، قیصر، 1391 :244)

**امین پور** اشعارش را **الف بای** درد می نامد که از قلب دردمند و پاره پاره او می تراود:

(( الفبای درد از لبم می تراود نه شبنم ، که خون از شبنم می تراود

سه حرف است مضمون سی پاره ی دل الف، لام، میم. از لبم می تراود))

(همان:196)

او بر این باور است که دفتر شعر او را دست درد ورق می زند آری او شاعر ((درد)) است:

دفتر مرا

دست درد می زند ورق

شعر تازه مرا

درد گفته است

(همان: 243)

او خود را از خانواده درد می داند:

(( قوم و خویش من همه از قبیله غمند عشق خواهر من است درد همه مرا برادرم)) (همان:38)

قیصر امین پور درد مردم را با خود حمل می کند:

دردهای من

گرچه مثل دردهای مردم زمانه نیست

درد مردم زمانه است

(همان:241)

قیصر در روزگار جوانی خویش شاعری متعهد و آرمانگراست اما پس از جنگ با جهانی بی تفاوت و سرشار از خشونت و بدون عاطفه و احساس روبرو می شود به سبب از بین رفتن آرمانها و نرسیدن به مدینه فاضله مورد نظرش دچار ((**درد**)) می شود و به همین سبب برای خود آرمان شهری می سازد و درد خود را نسبت به این اوضاع بیان می کند:

هرچه روزی آرمان پنداشت، حرمان شد همه

هرچه می پنداشت درمان است، عین درد شد.

درد اگر مرد است با دل راست رویارو شود

پس چرا از پشت سر خنجر زد و نامرد شد

(همان:48)

عشق و درد از دیدگاه قیصر امین پور

امین پور عشق و درد را ملازم یکدیگر می داند و درمان دردهای خود را عشق می داند

بجز عشق دردی که درمان ندارد

بجز عشق راه علاجی ندیدم

(همان: 197)

او هبوط انسان از درگاه الهی را نقطه ی آغاز درد می داند که از آن روز دامنه ی درد ادامه دارد:

((هنوز

دامنه دارد

هنوز هم که هنوز است

درد

دامنه دارد

شروع شاخه ادراک

طنین نام نخستین

تکان شانه ی خاک

و طعم میوه ی ممنوع

که تا نفس سنگ

ادامه خواهد داشت

و درد

هنوز دامنه دارد...))

(همان: 286)

**امین** **پور** شاعر درد است دردی که حساب کردنش دشوار است:

(( شعاع درد مرا ضرب در عذاب کنید

مگر مساحت رنج مرا حساب کنید.))

(همان: 394)

چهره ی دردمند قیصر در اشعار شاعران دیگر نیز نشان داده شده است که به نمونه های اشاره می کنیم که در (( ماهنامه شعر شماره 54 اسفند 1386)) چاپ شده اند:

**ابوالفضل زرویی نصرآباد:**

(( درد درد درد

در وجود گرم مهربان مرد

خانه کرد

مرد مهربان از این هوای سرد

خسته بود

درد را بهانه کرد.))

**علی داودی:**

مرد خسته بود، مرگ خسته تر

و درد رفته تا نفس نیاورد

پس سه شنبه آمد آن خبر

که هیچ کس به هیچ کس نیاورد

**محمدعلی بهمنی:**

قیصر نه (( درد)) نه قیصر خدای من

با مرگ هم به دوستی اش پایدار بود

**سید ابوالقاسم حسینی (( ژرفا)):**

(( چنان وجود لطیفش ز درد صیقل دید

که روح های مجّرد ندید و گوهر هم))

فصل پنجم

**نتیجه گیری**

**امین پور** در اشعار خود محورهای موضوعی گوناگونی را مد نظر داشته است که در سیر تحول شعری او گسترش یافته است .بخش عمده ای از موضوعات شعری قیصر امین پور را اشعار اجتماعی- سیاسی در بر می گیرد که وجه اجتماعی آن بیشتر است .اشعار اجتماعی امین پور با واقع گرایی همراه است ، الفاظ شعری غالبا نرم و تغزلی هستنند.او شاعری متعهد است و این تعهد اجتماعی در مجموعه ((**درکوچه آفتاب** ))بیشتر رخ می نمایاند.**امین پور** زبان مردم انقلابی است زبان مردمی که در روزهای تلخ وشیرین انقلاب زندگی می کنند. در دفتر هاب آغازین قیصر ((**من**))اجتماعی شاعر پر رنگ تر و روح حماسی اشعار کاملا نمایان است. با پایان یافتن جنگ این لحن حماسی رفته رفته تبدیل به اعتراض و اندوه می شود و موضع گیری های اجتماعی شاعر پخته تر می شود.

در مجموعه های پایانی شاعر در خود فرو می رود و ((**من** )) اجتماعی او رفته رفته تبدیل به ((**من**)) شخصی می شوند که با درد و رنج همراه است .

مرگ اندیشی وانتظار و یادمانه ها در اشعار او موج می زند، او شاعری انسان گرا است و مقوله انسان در اشعار او اهمیت ویژه ای دارد .

نگرش های سیاسی او نیز در طول این مسیر تغیر می کند او در آغاز مدافع سرسخت ایدیولوژی داخل نظام است اما به تدریج آرمان های انقلاب را از دست رفته می یابد و وزبان به اعتراض می گشاید و از خفقان وعدم آزادی شکایت می کند.اما اعتراض های او لحنی شاعرانه و نرم دارد .

در این پژوهش قیصر امین پور را شاعری متعهد یافتیم که در اشعارش مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه جایگاه ویژه ای دارد، او نسبت به جامعه و مردم خود متعهد است و درد مردم جامعه خود را فریاد می کند.قیصر سخنگوی مردم انقلابی است.

**منابع**

**نشریات**

1. امین پور، قیصر ،1370 ، (( حرف های خودمانی)) سروش نوجوان، شماره 37، فروردین ص 14 – 15
2. امین پور ، قیصر ، 1372، مصاحبه با قیصر امین پور ، تهران : کتاب ماه ادبیات و فلسفه ، شماره 19
3. ابولقاسمی ، مریم و شهلا علیه پور ، بررسی جلوه های اندیشه در شعر قیصر امین پور ، مجله تاریخ ادبیات ، شماره 3/63
4. اقتصادی نیا، سایه- مرد وی بر کارنامه شعر قیصر امین پور، نامه فرهنگستان 09/4
5. بهره ور،مجید ، مریم نیکخواه، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره پنجم
6. سعیدی کیاسری، هادی،(( سیرت مسیحائی قیصر)) روزنامه اعتماد (یادنامه ی قیصر امین پور) س 6، ش 1539، 23 آبان 1386، ص12 (22 آبان)
7. گرجی، مصطفی-افسانه، میری، بررسی و تحلیل نام های اشعار قیصر امین پور، جستارهای مجله علمی- پژوهشی ، شماره 167
8. طاهری، مهدی، خداحافظ قیصر شعر، گزارش تشیع پیکر امین پور، آینه خیال شماره1
9. فتوحی،محمود،((نگاهی در آینه های ناگهان)) روزنامه همشهری، س 2، ش 505، 3 مهر 1373، ص 10
10. ماهنامه شعر، یاد، شماره 54 ، اسفند ماه
11. مصاحبه با حسین قرایی (1390) ناگفته های از منش و روش قیصر امین پور، خبرگزاری فارس

**کتاب ها**

1. امین پور،قیصر (1391) مجموعه کامل اشعار ( چاپ نهم )تهران : انتشارات مروارید
2. امین پور ، قیصر، 1363 در کوچه آفتاب، تهران: حوزه هنری، چاپ اول
3. امین پور، قیصر ، 1385ف شعر و کودکی ، تهران: انتشارات مروارید ، چاپ اول.
4. امین پور ، قیصر 1368، سنت و نواوری در شعر معاصر، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
5. امینی،ابراهیم،1358،دادگستری جهان.چاپ سوم، قم،نشر شفق.
6. باقری ، ساعد ( با همکاری محمدرضای محمدی نیکو ) ، 1372، شعر امروز ، تهران : الهدی .
7. پارسانسب، محمد، 1387، جامعه شناسی ادبیات فارسی ، چاپ اول.انتشارات ((سمت))
8. پالیزبان ، موحد ، ضیاء (1377) ، شعر و شناخت ، انتشارات مروارید ، تهران.
9. سنگری ، محمد رضا ، 1380 ( نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس ، جلد 3 ، ج1، تهران
10. شاملو، احمد(1385)مجموعه اشعار ( چاپ هفتم) تهران: انتشارات نگاه
11. دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی : به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران چاپ ششم، 1384
12. دیوان حافظ: خواجه شمس الدین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، انتشارات زوار، تهران
13. کلیات سید اشرف الدین گیلانی(نیم شمال) مقدمه و اهتمام احمد اداره چی گیلانی، انتشارات نگاه ، تهران:1375
14. حسینی بحرانی، سید هاشم، 1374، سیمای حضرت مهدی در قرآن ترجمه سید مهدی حائری قزوینی چاپ دوم،تهران
15. قائمی،علی،1366،مسئله انتظار،قم:انتشارات هجرت
16. لغت نامه دهخدا
17. محدثی خراسانی، زهرا،1388،شعر ۀیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
18. وحیدا، فریدون، 1388، جامعه شناسی در ادبیات فارسی چاپ دوم. انتشارات((سمت))

**مقاله**

1. دکتر امیر خراسانی ، احمد، صدیقیان زاده، قاسم،1391 :7

Abstract

The poet can not commit itself to cross over social issues - political environment is passive , a committed artist must be present in their society and move step with the people of the society itself to the and the expansion of knowledge and prosperity and freedom to help his community . Kaiser Aminpoor as a contemporary poet ever undertook this role is not neglected . She had tried to analyze and critique the political issues - his social life to promoting free and ideal for the self- pay.  
Aminpoor Kaiser encompass poems on political grounds - and their role in social reform and move toward the preservation of human values ​​, the necessity and importance of this study shows .  
's .  
Accordingly, he should be respected poet whose poems he dedicated his community spirit .  
  
  
Key words:

political views , social - Kaiser Amin Poor - Poetry committed.